

رفیق
نورالدین
کیانوری:

باهیچ وسیله ای نمی توان حزب توده ایران را از مبارزه در راه تعمیق انقلاب باز داشت

دلآوری های خلق در سنگر های نبرد

به عربی آنان را صدا کرد و ورودشان را تبریک گفت. بزخمیان خوشحال شدند. افسر فرمانده افراد را پداخل خانه فرستاد و کسی رفت، تا دیگران را خبر کند. لخانه، آماده پذیرائی از آنان بود. در خانه بزرگ قدیمی، که همه مستاجرانش رفته بودند، بیشتر از ۵۰ سرباز دشمن خانه کردند. پیرزن با جان و دل از آنها پذیرائی می کرد. چنان نور مهربانی از نگاهش می تراوید که همه دزخیمان «ننه خزیره» زامادر خویش می انگاشتند. روز سوم، «ننه خزیره»، با صدای بلند، به عربی گفت:

۶ ماه از نبرد قهرمانانه خلق ما در جبهه های نبرد می گذرد. ۶ ماه است که زحمتکشان قهرمان ایران از خون خویش حماسه می آفرینند. ۶ ماه است که خلق قهرمان ایران بر گت بر گت رهایی خویش را با خون رقم میزند.

آنچه از این پس، هر پنجشنبه در نامه «مردم» می خوانید، لحظاتی از شور انقلابی و حماسه نبرد مردم دلاور ایران است، که بر اساس خاطرات رفقای توده ای از جبهه های نبرد تنظیم شده است. ما از همه رفقای حزبی، هواداران و مردم قهرمان ایران، که شاهد حماسه آفرینی خلق در جبهه ها بوده اند، تقاضای کنیم که، با ارسال خاطرات خود، ما را یاری کنند.

«امروز میخواهم برایتان نان گرم بیزم. حیف است شما جوانان نازنین نان سربازی بخورید.»

و تنور را برپا کرد. ساعتی بعد، بوی گرم نان حیاط را پر کرد. اشتیای دزخیمان سخت تحریک شده بود. برای ناچار بساط بقیه در صفحه ۴

دشمن بود. نبرد خانه به خانه ادامه داشت. خلق دلاور با مشت خالی به مصاف دشمن تا دندان مسلح میرفت. هیچ چادری باز نمیشد، جز آنکه قاسم شهبیدی بر آستانه اش برخاک افتد، مگر در در یک کوچه تنگ. پیرزنی خندان در را بروی دزخیمان کشود.

چگونه «ننه خزیره» از دشمن «پذیرائی» کرد

دزخیمان چکمه پوش، مسلسل هایشان در دست، در خیابانها از تانک ها پیاده شدند و به خانه ها یورش بردند. سوسنگرد بعد از یک فبرد حماسی اکنون در تصرف

- درستی برنامه و سیاست یک حزب بمعنای آن نیست که این حزب بلافاصله از پشتیبانی فراگیر توده مردم برخوردار خواهد شد
 - بجای کلی یافی ها و برای جلوگیری از بهره برداری ضد انقلاب از سردرگمی مردم در برابر مسائل مشخص جامعه، راه حل های مشخص ارائه کنیم
 - بدام تبلیغات ضد توده ای نیفتیم!
 - ما از هر اقدام مشخص در جهت رفع کمبودها پشتیبانی سازنده می کنیم
 - بعضی ها دیواری کوتاه تر از دیوار حزب توده ایران پیدا نکرده اند!
 - با دشنامگویی های لجام گسیخته نمی توان بر تضادهای اساسی گرایش های کنونی پرده گذاشت و نه حزب توده ایران را از مبارزه در راه تعمیق انقلاب باز داشت
- صفحه ۴

نامه
مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۰
پنجشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۵۹، مطابق با
۲۷ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵:۱۵ ریال

پیام شادباش
کمیته مرکزی
حزب توده ایران
به کمیته مرکزی
حزب کمونیست
ونزوئلا

بمناسبت پنجاهمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست ونزوئلا (۱۴ اسفند ۱۳۰۹) صفحه ۴

پیام شادباش
کمیته مرکزی
حزب توده ایران
به کمیته مرکزی
حزب کمونیست
پرتغال

بمناسبت شصتمین سالگرد پایه گذاری حزب کمونیست پرتغال (۱۴ اسفند ۱۲۹۹) صفحه ۴

سالروز درگذشت دکتر محمد مصدق



بزرگمردی که پیروزیها و ناکامی هایش، زندگی و مرگش، با تاریخ معاصر ایران گره خورده است

«حزب توده ایران و انقلابی ترین بخش مصدقی جنبش، گام به گام بهم نزدیک شدند. در سر هر پیچ گروهی از یاران نیمه راه مصدق او را رها کردند و در عوض در هر لحظه دشوار و قاطع حزب توده ایران گام تازه ای به سوی مصدق برداشت. ما حکومت مصدق را لاقول سه بار از سقوط حتمی نجات دادیم و به آنجا رسیدیم که در روزهای سرنوشت ساز تیر و مرداد ۱۳۳۲، تقریباً تنها سازمان سیاسی وفادار به حکومت مصدق و ملی شدن نفت بودیم و در ۲۸ مرداد مطلقاً تنها سازمانی بودیم که لحظه ای مصدق را تنها نگذاشتیم و همه نیروی خود را عرضه کردیم و آمادگی خود را برای دفاع از حکومت مصدق اعلام نمودیم.»

طی دو روز گذشته:
یکانهای نیروی دریائی چند
موضع دشمن را در خونین شهر
نابود کردند

یک تیربار، دو سنگر گروهی و یک مرکز تجمع دشمن را منهدم گذشته، ضربات سنگینی بر یک دشمن وارد آمد.

بر اساس اطلاعیه ۴۲۲ ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در روز ۱۱ اسفند ماه جاری، یکانهای نیروی دریائی در منطقه خونین شهر، چند منطقه و موضع تجمع نیروهای عراقی و همچنین یک خودروی مهمات دشمن را نابود کردند و تعدادی از افراد دشمن را به هلاکت رساندند. همچنین افراد سپاه پاسدار، به همراهی دیگر نیروهای مسلح، طی یک عملیات چریکی به حوزه یادگان شایگری در داخل خاک عراق نفوذ دشمن در ارتفاعات کانی سخت،

بمبارزه در راه تعمیق انقلاب باز داشت

حزب ما زندان نکشیده باشند. از اعدامها سخن نمی گوئیم، زیرا در بین اطرافیان دکتر مصدق، بجز دکتر فاطمی (که موضوعش از همه همکاران دکتر مصدق به حزب ما نزدیکتر بود) کسی را اعدام نکردند، ولی دهها نفر از اعضای حزب توده ایران پس از کودتا اعدام شدند. هیچ سازمانی، هیچ حزبی بقدر حزب توده ایران برای ادامه و تعمیق جنبش ملی کردن نفت، که دکتر مصدق رهبر آن بود، کوشش نکرد.

حزب توده ایران، طی ۲۵ سال پس از کودتا، برخلاف سازشکارانی که خود را میراث خوار دکتر مصدق معرفی میکردند و هنوز هم میکنند، ولی در ثروت اندوزی و شرکت سازی و کارخانه داری با عمال دربار مسابقه آگذاشته بودند، یک لحظه در حفظ و تعمیق سنتهای انقلابی جنبش ملی کردن نفت برهبری دکتر مصدق - مبارزه با امپریالیسم و مبارزه با استبداد - سستی بخود راه نداد. حزب توده ایران بخوبی بقیه در صفحه ۷

شد. اما امپریالیستهای که دکتر مصدق را سرنگون کردند و شاه خائن را بر کرده مردم نشاندهند، دوستان و دشمنان خود را خوب می شناختند و با تکیه بر دوستان خود، گام به گام ستونهای نیرومند جنبش را چون موریا نه از درون سست کردند و بنای پر عظمتی را، که طی بیش از دو سال با همت نیروی عظیمی از مردم ایران برپا شده بود، با یک تکان کوچک فروریختند.

شکست دکتر مصدق بیش از آنکه شکست رفیقان نیمه راه و دوستان دشمن - خصال او باشد، شکست نیروهای مردمی و بیش از همه شکست حزب توده ایران بود. شاید پس از کودتا، مجموعه کسانی که خود را همکار و همزم دکتر مصدق می نامیدند و هنوز هم می نامند، بقدر یکی از اعضای

امروز مصدق با درگذشت دکتر محمد مصدق است، بزرگمردی که پیروزیها و ناکامی هایش، زندگی و مرگش، با تاریخ معاصر ایران گره خورده است. پیروزی او امیتوانست پیروزی یکی از بزرگترین جنبش های ضد امپریالیستی مبین ما باشد، و شکست او فاجعه ای دردناک بدرزای یک ربع قرن پدنبال آورد.

امروز که تقریباً تمام اسناد کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در دست است و تاریخ می تواند یقینات بنشیند و نقش عوامل مختلف را در تدارک و اجرای این کودتای فنگین ارزیابی کند، می بینیم که جنبش بزرگ ملی کردن نفت برهبری دکتر مصدق، قبل از هر چیز بدلیل عدم شناخت درست از دوستان و دشمنان جنبش با شکست روبرو

برای مبارزه با امپریالیسم و مبارزه در راه تعمیق انقلاب باز داشت

جمعیت جهان

بهموجب آخرین گزارش های بیست و یکمین اجلاس هیئت جمعیت سازمان ملل متحد (یکی از کمیسیون های دائمی تخصصی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد) "اگوسوک" (در نیویورک)، کره زمین اکنون ۴/۴۱۵ میلیارد نفر جمعیت دارد.

حساب شده است که تا سال ۱۹۸۰ میلادی تنها ۲۵۰ میلیون نفر در کره زمین بسر می بردند. این عدد در اوایل سده هفدهم دوبرابر شد و در آغاز سده نوزدهم به یک میلیارد رسید. بیست سال پیش جمعیت جهان به ۳ میلیارد و شانزده سال پس از آن به ۴ میلیارد رسید.

هرچند نرخ زایش در سطح جهان رو به کاهش است، ولی انتظار می رود که تا سال ۲۰۵۰ دیگر، جمعیت جهان به ۶/۵ میلیارد افزایش یابد و در دهه های بعد به ۱۲ میلیارد برسد.

بر پایه شش بینی کارشناسان ۹۰ درصد افزایش جمعیت جهان در کشورهای رشد یافته صورت می پذیرد. سریع ترین رشد در آمریکای لاتین و آفریقا و کندترین رشد در اروپا و ایالات متحده آمریکا دیده می شود.

ترتیب پرجمعیت ترین کشورهای جهان تا آغاز سده بیست و یکم که با آن شرح خواهد بود، چین، هند، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، ایالات متحده آمریکا، اندونزی و برزیل. مسائل مربوط به جمعیت هر چه

بیشتر در گردهمایی های بین المللی مورد بررسی قرار می گیرد. "کمیسیون جمعیت سازمان ملل متحد" تشکیل کنفرانس جهانی را برای بررسی مسائل جمعیت در سال ۱۹۸۴ توصیه کرده است. یادآوری می شود که در سال ۱۹۷۴ نخستین کنفرانس جهانی بررسی مسائل جمعیت در سطح دولت ها در بخارست برگزار شد. کشورهای سوسیالیستی

ارزیابی می کنند که "کنفرانس بخارست" باعث شد که دولت های جهان مسائل مربوط به جمعیت را هر چه بیشتر به مثابه بخشی گسست ناپذیر از سیاست عمومی کشورهای خود به شمار آورند و آنها را با برنامه های توسعه اجتماعی اقتصادی هم پیوند سازند.

هم پیوند سازند.



باهیج وسیله ای نمی توان حزب توده ایران را از مبارزه در راه تعمیق انقلاب باز داشت

از: «پرستش و پاسخ» (ار ۲۰۹)

رفیق نورالدین کیانوری:

* درستی برنامه و سیاست یک حزب بمعنای آن نیست که این حزب بلافاصله از پشتیبانی فراگیر توده مردم برخوردار خواهد شد
* بجای کلی بافی ها و برای جلوگیری از بپرداری ضدانقلاب از سردرگمی مردم در برابر مسائل مشخص جامعه، راه حل های مشخص ارائه کنیم
* بدام تبلیغات ضد توده ای نیفتیم!
* ما از هر اقدام مشخص در جهت رفع کمبودها پشتیبانی سازنده می کنیم
* بعضی ها دیواری کوتاهتر از دیوار حزب توده ایران پیدا نکرده اند
* یادشنامه گویی های لجام گسیخته نه می توان بر تضادهای اساسی گرایش های کنونی پرده گذاشت و نه حزب توده ایران را از مبارزه در راه تعمیق انقلاب باز داشت

برانداختن بزرگ مالکی. اینجا کافی نیست که گفته شود: "کشاورزی را از بحران خارج خواهیم کرد!" این حرف کار آسانی است، ولی باید پرسید: "چطور؟" یا اینکه ساده می شود گفت: "باید صنایع را از بحران خارج کرد" اینجا هم باید پرسید. "از چه راه؟" اگر منظور همان راه طاغوت است، که لیبرال ها تجویز می کنند، پس چرا مردم اصلا "انقلاب کردند؟" ما همیشه از مسئولان، از جمله آقای بنی صدر، در آستانه انتخابات ریاست جمهوری، خواسته بودیم و می خواهیم که برنامه های خود را بطور مشخص اعلام کنند - کاری که حزب توده ایران، با وجود آنکه مسئله بم قدرت رسیدن آن مطرح نیست، کرده و می کند.

نداشتن برنامه مشخص و عدم قاطعیت کافی برای حل مسائل مردم جامعه، در دولت هم دیده می شود. به این ترتیب، بعضی ها حق دارند که دچار سردرگمی شوند و ندانند چه نیروهایی در جهت منافع مردم گام بر خواهند داشت. باید از همه مسئولان خواست تا برای حل مسائل مشخص جامعه راه های مشخص پیشنهاد کنند. وگرنه بعید نیست که لیبرال ها از سردرگمی مردم استفاده کنند، آن را دامن بزنند و از آن برای پیشبرد نقش تاریخی خود، یعنی تثبیت مناسبات سرمایه داری و تجدید وابستگی به امپریالیسم بهره برداری کنند.

پس: در هفته پیش علاوه بر آقای بنی صدر و "میزان" و "انقلاب اسلامی"، روزنامه های دیگر، از جمله "اطلاعات" و "کیهان" هم به حملات شدید علیه حزب توده ایران دست زدند. آیا جبهه متحدی برای سرکوب حزب توده ایران بوجود آمده است؟

ج: راستش را بخواهید این "اطهار لطف" گروه ها و گرایش های مختلف نسبت به حزب توده ایران برای ما تعجب آور نیست. این انتظار می رفت که این گرایش ها، بخصوص دو جناحی، که در حاکمیت مقابل یکدیگر قرار گرفته اند، خرد حساب های خود را سر ما بشکنند و دیواری کوتاه تر از دیوار ما نبینند. تجربیات تاریخی سبب شد که ما با این "اطهار لطف" ها یا تبسم برخورد کنیم. علت خیلی ساده و "القاء ایدئولوژی" طرفین است. اکنون تبلیغات وسیعی، بویژه در میان قشرهای مرفه خرده بورژوازی، می شود که گویا انقلاب بطرف کمونیسم می رود. در این زمینه آقای فرسنجانی در گفتاری بدستی متذکر شد که امپریالیسم آمریکا به مرجیان ضد امپریالیستی برجسب کمونیستی می زند هر چند هم که این جریان از کمونیسم بدور باشد.

چه کسی می تواند در این تردید کند که حتی مواضع سیاسی اجتماعات دولت کنونی و همه جناح های حاکمیت موجود فرسنگ ها از کمونیسم دور است چه رسد به ایدئولوژی آنها.

اما امپریالیسم هر جنبش و شخصیتی را، که مبارزه ضد امپریالیستی بکند، "کمونیستی" می خواند. جواهر لعل نهرو و ناصر "کمونیست" بودند قذافی "کمونیست" است و خانم گاندی هم از نظر برخی از مطبوعات آمریکا "کمونیست" شده است. حتی امام خمینی را طرفدار کمونیسم خوانده اند!

ضدانقلاب در نشریات خود تبلیغ می کند که گویا همه اقدامات حاکمیت کنونی محصول "القاء ایدئولوژیک" حزب توده ایران است. در اینجا دو هدف دنبال می شود. نخست آن که نیروهای مختلف را وادارند تا برای موضعگیری در قبال حزب توده ایران، از خود دفاع کنند. متأسفانه این دفاع بجای آنکه اثباتی باشد، فقط سراپا فحش است. مطالبی که در این زمینه در "کیهان" و "اطلاعات" چاپ شد، بدبختانه در این سطح بود و از زرادخانه فحاشی ۳۲-۳۰ سال پیش آمده بود.

هدف دوم آنستکه به قشرهای مرفه خرده بورژوازی و حتی قشرهای مذهبی - افراطی بقولانند که گویا کمونیست ها دارند می آیند! از این که بگذریم این فحاشی مشترک لیبرال ها و نیروهای پیرو خط امام در حاکمیت نمی تواند بر تضاد اساسی میان آنها، که در واقع تضاد میان دو سمگیری است، پرده پوشد. تکلیف "انقلاب اسلامی" و "میزان" که معلوم است (خوشحالیم که آقای بنی صدر اعلام کرده اند که "من مسئولیتی در قبال روزنامه "انقلاب اسلامی" ندارم"). هر دو، بدون هیچ گونه اختلافی، ارگان لیبرال های ایران هستند.

بنظر ما، با وجود اشتراک تبلیغاتی لیبرال ها و برخی از پیروان خط امام علیه حزب توده ایران، اختلافات اساسی این دو گرایش نه تنها فرو کش نخواهد کرد، بلکه شدیدتر هم خواهد شد. هر چند با هم سعی شود سرپوش هایی بر آن ها گذاشته شود. خود صفحات "کیهان" و "اطلاعات" در روزهای اخیر این ادعا را ثابت می کنند. حالا طرفین بعضی وقتها فکر می کنند بدگویی به حزب توده ایران مسکنی است. بعضی ها هم تصور می کنند بعلت اختلافات میان دو جناح، به جذب حزب توده ایران افزوده خواهد شد و بنابراین باید این حزب را کوبید.

به عقیده ما این ارزیابی درست نیست. حزب ما، با وجود مواضع گیری های غیردوستانه تاحد خصمانه آشتی ناپذیر از هر جریانی که در راه تعمیق انقلاب در خط امام که بارها آن را مشخص کرده ایم و در جهت ضد امپریالیستی و خلقی آن بگوشد، پشتیبانی خواهد کرد. دشنام گویی های بیپوده و لجام گسیخته ما را از این راه باز نخواهد داشت.

س: اگر حزب توده ایران، آنطور که ادعا می کند، خط مشی اصولی و دقیقی دارد، پس چرا نتوانسته است اکثریت توده های مردم را به خود جلب کند؟

ج: این سؤال هنگامی مطرح می شود، که شخص به تحولات تاریخی و نقش توأم و متقابل عوامل عینی و ذهنی آشنایی نداشته باشد و یا اگر هم دارد نمی تواند آنها را با دقت کافی به شرایط اجتماعی موجود تطبیق دهد.

این درست نیست که هر جریان سیاسی، در صورتی که دارای صحیح ترین موضعگیری باشد، می تواند اکثریت جامعه را بخود جلب کند. خود تئوری انقلاب با چنین ادعایی منافی است. یک حزب می تواند موضع گیری درستی داشته باشد، ولی سالها و دهها سال نتواند از هواداری اکثریت جامعه برخوردار شود. برای نمونه، در آمریکا، برنامه و موضع گیری های حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به بهترین وجهی پاسخگوی خواست های اکثریت مطلق جامعه آمریکا، از جمله ۲۰ میلیون سیاه آمریکایی، است. اما خوب می دانیم که تبلیغات وسیع و امکانات گسترده امپریالیسم آمریکا در جهان آنقدر گسترده بوده است، که مانع شده است، بسیاری از محرومان جامعه آمریکا و حتی کسانی که هنوز برده وار زندگی می کنند به ریشه محرومیت های خود و حقانیت نیروهای مترقی و دمکراتیک آمریکا، بویژه حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، بی برند. این پدیده ایست که کم و بیش در همه کشورهای پیشرفته سرمایه داری دیده می شود. زالوهای خون آشام سرمایه داری چه بسا که از شکاف عمیق میان این کشورها و کشورهای عقب افتاده استفاده و به توده مردم تلقین می کنند که اگر نظام اجتماعی سرمایه داری عوض شود وضع آنها هم مانند کشورهای عقب افتاده خواهد شد! در نتیجه با این نوع تبلیغات توانسته اند روند شناخت درست توده های زحمتکش را ترمز کنند. البته هستند هم کشورهایی، که در آنها شرایط خاص تاریخی این روند شناخت را سرعت بخشیده است، بدون آن که نیروهای پیشاهنگ "معجزه" ای کرده باشند.

از طرف دیگر، بعضی اوقات می تواند شرایط عینی برای تغییر اساسی موجود، ولسی حزبی انقلابی با برنامه های صحیح موجود نباشد. به قول لنین وضع انقلابی پیدا شده است ولی نبود یک حزب رهبری کننده مانع از آن بوده است که انقلاب به ثمر برسد.

ما معتقدیم که حزب توده ایران درست ترین برنامه را برای استقلال، آزادی و پیشرفت اجتماعی ایران دارد و امیدواریم که روند انقلاب اکثریت نیروهای برآستی انقلابی کشور ما، یعنی کارگران، دهقانان و پیشه وران و روشنفکران زحمتکش را سرانجام به این حقیقت واقف سازد. اینکه این روند چه مدت طول خواهد کشید، غیرقابل پیش بینی است. تا بحال هیچ حزب سیاسی نتوانسته است دقیقاً اعلام کند که چه وقت نظراتش فراگیر خواهد شد.

س: آیا راست است که می گویند حزب توده ایران نمی خواهد قدرت بدست آقای بنی صدر بیفتد، چون او همه کارها را سامان خواهد داد و از روحانیون پشتیبانی می کند چون ندانم کاری آنها بالاخره سبب خواهد شد که حزب شما قدرت را بدست بگیرد؟

ج: هستند کسانی که ادعا می کنند پشتیبانی حزب توده ایران از هواداران راستین خط امام یک "حقه بازی سیاسی" است و حزب ما چون می داند که این خط موفق نخواهد شد، زمینه را برای احراز قدرت خود آماده می کند!

این چیزی جز تبلیغات امپریالیستی و ارتجاعی نیست. اینها تبلیغ می کنند که نیروهای موثر در حاکمیت کنونی باید از کار برکنار شوند، چون نمی توانند به خواست های مردم ایران جواب دهند و فقط باعث خواهند شد که حزب توده ایران از این خلاء برای رشد و به قدرت رسیدن استفاده کند. این گونه تبلیغات چیز جدیدی نیست و پیش از ۲۸ مرداد هم وسیعاً اجرا می شد.

درباره این که گویا ما نمی خواهیم آقای بنی صدر کاری برای مردم بکند، این ادعا هر چند ممکنست برای مردم کم آگاه فریبنده باشد، کذب محض است. ما صریحاً اعلام می کنیم که از هر اقدام مشخصی که از سوی هر کس، از جمله آقای بنی صدر، به سود مردم انجام شود پشتیبانی می کنیم. چون ما اعتقاد داریم که در شرایط کنونی انقلاب، رفع کمبودها و بازسازی مهم ترین اقدام ضد امپریالیستی است. اینک امپریالیسم و ضد انقلاب است که می خواهد زمینه نارضایتی توده ها و بازگشت امپریالیسم و ارتجاع را فراهم سازد. ما این خطر را در همه ابعاد آن می بینیم و از این رو آماده ایم از هر اقدام مشخصی در این زمینه پشتیبانی کنیم. البته این گونه اقدامات باید مشخص باشد. نه اینکه کسی بیاید و بگوید: اول قدرت را بدهید دست من، بعد همه کارها را راه خواهیم انداخت.

مسائل جامعه ما کاملاً مشخص است و جایی برای کلی گویی باقی نمی گذارد. مثلاً "در کشاورزی مسئله گره های عبارتست از مالکیت ارضی و

«ما حاضریم ازدل و جان بانیر و های متجاوز صدام بجنگیم»

کارگران کارگاه کلید و پریش سازی آسیا در انتظار اجرای خواسته های قانونی خود هستند

کارگاه کلید و پریش سازی آسیا در تهران واقع است و مواد اولیه آن از کشورهای ایتالیا و آلمان فدرال تامین می شود. در این کارگاه تعداد بیست و دو نفر کارگر کار می کنند، که یازده نفر آنها اهل کشور سریلانکا و بقیه ایرانی هستند. با چند تن از کارگران به گفتگو نشستیم. یکی از کارگران گفت: "ماهی بیست و دو هزار ریال حقوق می گیرم که فقط مبلغ ده هزار ریال آن را با بست اجاره خانه پرداخت می کنیم. بقیه نیستیم. ما در اینجا روزانه ۹ ساعت کار می کنیم و با بست ساعت اضافه کاری روزانه ۱۰ ساعت اضافه کاری می گیریم. مزایایی به ما تعلق نمی گیرد. هر بار که از کارفرما درخواست اضافه حقوق می کنیم، او کارگران خارجی را به ما می کشد که حاضرند با دستمزدهای کمتری کار کنند. ما از کار زیاد عاجز نیستیم، ولی حق قانونی ما را باید بدهند."

وی افزود: "اگر امروز به من بگویند که باید برای جنگ به جبهه بروم، فوراً اینکار را می کنم. خوشبختانه همه ما دوره بسیج را دیده ایم و حاضریم با دل و جان با رژیم متجاوز صدام بجنگیم."

یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: "نزدیک به یک سال است که در اینجا کار می کنیم. ما برای بیمه شدن، کم کردن یک ساعت از کار روزانه و اضافه حقوق، بارها به کارفرما مراجعه کرده ایم، ولی او تاکنون به تقاضای ما قانونی ما ترتیب اثر نداده است. او ضمن محکوم کردن محتکران و گران فروشان گفت: "عده ای کارگر خارجی در این کارگاه کار می کنند، که بر مشکلات ما افزوده اند. هر بار که برای احقاق حقوق خود به کارفرما مراجعه می کنیم، او آنها را به رخ ما می کشد. کارگران از دولت انتظار دارند که کارفرما را مجبور به پذیرفتن خواسته های قانونی آنها بکند. مهم ترین خواسته های آنها عبارتند از: ۱- اجرای قانون هشت ساعت کار روزانه، ۲- قرار گرفتن همه کارگران تحت پوشش بیمه درمانی، ۳- افزایش دستمزدهای کارگران، ۴- بکارگرفتن کارگران ایرانی به جای کارگران خارجی، ۵- پرداخت حق مسکن و حق اولاد به کارگران."

کارگران کارخانه قفل سازی مهرپا:

در این جنگ تا آخرین نفر و تا جان در بدن داریم، باید دفاع کنیم

قوانین کارگری با منافع ما تضاد دارد. ما دیگر نمیتوانیم زیر سلطه اجنبی زندگی کنیم

کارخانه قفل سازی مهرپا (YONE)، که ۱۴ سال است در آن می گذرد، دارای ۸۷ کارگر و از جمله ۱۹ کارگر زن است. علاوه بر این عده، کارخانه دارای ۱۵ نفر کارمند نیز هست. کارخانه به بخش خصوصی تعلق دارد و مواد اولیه آن بطور عمده از خارج وارد می شود. پس از انقلاب، تهیه این مواد با مشکلات فراوان و به قیمتی گرانتر خریداری شده است. ولی این امر تاکنون در تولید کارخانه تأثیری نگذاشته است و تولید کارخانه نسبت به قبل از انقلاب کاهش نیافته است.

در این کارخانه، از یک سال ونیم پیش، شورای کارگران با ۵ نفر عضو تشکیل شده است. ولی بدلیل اینکه حدوداً اختیارات آن مشخص نبوده و دولت هنوز هم به طور مشخص وظایف این شوراها را تعیین نکرده، کارچشمگیری انجام نداده است.

کارگران این کارخانه دارای ناها رختی و شرکت تعاونی هستند. کارگران وضع بهداشتی کارخانه را هم تا حدودی رضایت بخش می دانند.

پس از انقلاب و تصویب قانون حداقل حقوق دستمزد از طرف وزارت کار، طبق این قانون به حقوق کارگران این کارخانه اضافه شده است. در مورد خواسته های کارگران، آقای مهدی حسینی، کارگر این کارخانه، گفت: "ما در این کارخانه کار می کنیم، اما نمی توانیم زیر سلطه اجنبی زندگی کنیم. ما نباید با دشمن مملکت مان را اشغال بکند. مگر ما نمی خواهیم در این مملکت زندگی کنیم؟ مگر ما دیگر نمی توانیم زیر سلطه اجنبی زندگی کنیم؟ ما باید دفاع کنیم. صدام فکر می کرد ملت ایران مرده است، ولی ما می جنگیم و به او نشان می دهیم که چقدر استقامت داریم. ما می جنگیم و تا آخرین نفر و تا جان در بدن با رژیم متجاوز صدام بجنگیم. ما از کار زیاد عاجز نیستیم، ولی حق قانونی ما را باید بدهند."

وی افزود: "اگر امروز به من بگویند که باید برای جنگ به جبهه بروم، فوراً اینکار را می کنم. خوشبختانه همه ما دوره بسیج را دیده ایم و حاضریم با دل و جان با رژیم متجاوز صدام بجنگیم."

پیروزی کارکنان کارخانه تهران کمیکال در امر خود کفایی

کارخانه تهران کمیکال مراحل آغاز شروع کار تولیدی خود را می گذراند. اخیراً عده ای از کارکنان این کارخانه با کمک مهندسان موفق به تولید سولفات شدند، هرچند که سولفات بدست آمده، به علت خوب عمل نکردن یکی از دستگاهها، به صورت کلوخه درآمد، ولی آنها معتقدند که با رفع اشکال فنی یکی از دستگاهها، در آینده نزدیک، کارخانه آماده بهره برداری خواهد شد.

اقدام اخیر کارکنان کارخانه تهران کمیکال پیروزی بزرگی در امر خودکفایی و مبارزه با محاصره اقتصادی امپریالیست ها است.

ما موفقیت کارکنان این کارخانه را در امر خودکفایی به فال نیک می گیریم و توفیق بیشتر آنها را در راستای خدمت به انقلاب و جهت دست یافتن به خودکفایی آرزو مندیم.

در ضمن شرکت تعاونی کارخانه اخیراً موجودی قند و شکر را که از چندین ماه پیش به جا مانده بود، بین کارکنان بطور عادلانه توزیع کرده است. نیز قرار است روغن و برنج مصرفی کارکنان نیز از طریق شرکت تعاونی توزیع شود.

تهیه وسایل خانگی و توزیع مواد عمده مصرفی از طریق تعاونی ها بسود زحمتکشان است و باید همه همت خود را در همه واحدها گسترش یابد.

در اطراف بندر ترکمن:

صیادان آزاد مجبورند نیمی از دسترنج خود را به ارباب بپردازند!

بیشتر اهالی روستاهای ساحلی بندر ترکمن مانند روستاهای "چاقلی"، "چارقلی"، "توماجر" و "سیدآباد" از طریق ماهیگیری امرار معاش می کنند. این روستاها از ابتدایی ترین امکانات زندگی، از قبیل آب لوله کشی، درمانگاه و حمام بی بهره اند و تنها در هر یک از آنها یک مدرسه پنج کلاسه وجود دارد. فاصله این روستاها تا بندر ترکمن از ۸ تا ۱۲ کیلومتر است.

چون دیگر نقاط میهن مان آثار ظلم و ستم طاغوت و سالیان دراز غارتگری سرمایه داران بزرگ را بر چهره خویش دارند. هر یک از ماهیگیران بطور منفرد و آزاد کار می کنند و هیچگونه تشکیلاتی جز دوشرکت تعاونی در روستاهای چارقلی و چاقلی وجود ندارد.

متأسفانه تاکنون هیچ تحول مثبتی در جهت توسعه ماهیگیری رخ نداده است، و ماهیگیران آزاد، هنوز از نعمات انقلاب برخوردار نشده اند. باین ترتیب که، اکثریت توده زحمتکشان صیادان، چون قدرت خرید وسایل کار صید ندارند، با وسایل تولیدی که افراد متنفذ و سرمایه دار منطقه در اختیار آنان قرار می دهند، به صید می پردازند، و در نتیجه مجبورند نیمی از دسترنج خود را به ارباب - به عنوان سهم وی - بپردازند. با چند تن از صیادان، که در حال بازگشت از صید بودند، به گفتگو نشستیم. یکی از صیادان بنام "رحیم کاکا" گفت:

"هر روز از ساعت چهار صبح از روستای چارقلی، که در چهار کیلومتری ساحل واقع شده است، عازم دریای شوم. مثلاً همین امروز حدود ششصد ریال صید کرده ام. با این درآمد زندگی ما به زحمت می گذرد. نه زمین داریم و نه چیز دیگری."

وقتی از او در مورد انتظاراتش از انقلاب پرسیدیم، در پاسخ گفت: "قبل از هر چیزی باید دولت برای ما صیادان آزاد، شرکت تعاونی ماهیگیری ایجاد کند و ضمن قرارداد دادن وسایل تولید در اختیار ما، صیدمان را نیز با قیمت مناسب خریداری کند."

یکی دیگر از صیادان در مورد جنگ تحمیلی رژیم جنایتکاره نام گفت: "انتهایی که چندین سال این مملکت را به میدان غارتگری و چپاول خود تبدیل کرده بودند، نمی گذارند این کشور سروسامانی بگیرد و هر روز سرگرم توطئه چینی هستند."

مستولان امر باید برای تشکیل شرکت های تعاونی صید و ایجاد شبکه های خرید صید در روستاهای نامبرده اقدام کنند. این کار موجب خواهد شد تا اولاً دست سودجویان منطقه از سر صیادان زحمتکش قطع شود. ثانیاً از خرید صید توسط واسطه ها جلوگیری به عمل آید. در این صورت هم صیادان دسترنج خود را با قیمتی عادلانه خواهند فروخت و هم ماهی با قیمتی نازل در دسترس مصرف کننده شهری و روستایی قرار خواهد گرفت.

طبقه کارگران ایران، در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

بابراه انداختن معدن سنگ مرمر جلفا، دهها کارگر را از خطریکاری برهانید

در نزدیکی جلفا یک معدن سنگ مرمر قرار دارد که در اطراف آن نیز چند کارگاه سنگبری واقع شده است. صاحب معدن سرمایه دار معروفی بنا حسیب الهیان بود، که پس از پیروزی انقلاب و پس از خراب کردن معدن، به خارج از کشور فرار کرد. این معدن سپس به دست بنیاد مستضعفین افتاد.

معدن مزبور برای ادامه فعالیت خود احتیاج به تعمیرات اساسی دارد، که متأسفانه از جانب بنیاد در این مورد کوچکترین اقدامی صورت نگرفت. بنیاد پس از مصرف سنگ های آماده، معدن را بلا استفاده به حال خود رها ساخت.

هم اکنون کار در معدن سنگ مرمر به حال تعطیل درآمده است، علاوه بر آن، خطریکاری کارگران سنگبری های اطراف معدن را نیز تهدید می کند.

از مقامات مسئول می خواهیم که در امر بازسازی معدن سنگ مرمر اقدامات لازم را معمول دارند، تا با راه افتادن کار در معدن، عده ای از کارگران آن ناحیه از بیکاری نجات یابند.

کارگران متعهد همه چیز، کارگران متفرق هیچ چیز

"دوستان کارگر، کارگران در آذرهرسال، پس از ۱۲ ماه کار و تلاش، که شمره آن در جیب سرمایه داران و مفتخواران سرازیری می شود، مبلغی به عنوان پاداش شب عید دریافت می کنند. در حالی که فروشگاه ها پر از جناس و انبارها پر از کالاهای احتکاری می باشد، کارگران و زحمتکشان میهنمان قدرت خرید اجناس ضروری خود را نیز ندارند. گرانی بیحد می کشد و قیمت ها بطور سرسام آوری بالامی رود. مبلغ عیدی اندک کمی به هزینه کمر شکن سالیانه کارگران می کشد. لذا هیأت مدیره سندیکای کارگران کتابفروشی میزان عیدی مربوطه سال ۱۳۶۰ را برای تمام کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه یک ماه ونیم حقوق آنها اعلام می کند، در ضمن تعطیلات عید نوروز کارگران یک هفته و از اول فروردین ۱۳۶۰ می باشد.

هیئت مدیره سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه
۱۳۵۹/۱۲/۴

در سمینار شوراهای اسلامی روستائیان توابع شیراز دهقانان فارسی خواستار اجرای سریع بند «ج» قانون اصلاحات ارضی شدند

کامل خود را از طرح اسلامی واگذاری زمین، که به تأیید آقایان منتظری، مشکینی و بهشتی رسیده است، اعلام میداریم. ما علیرغم کلیه فشارها و کارشکنی‌ها در جهت توقف کارهیئت‌های هفت نفری واگذاری زمین، خواستار بازگشت به بند «ج» و قاطعیت هیئت هفت نفری می‌باشیم. ما پشتیبانی کامل خود را از کلیه ارگانهای انقلابی سیاه پاسداران، جهادسازندگی و هیئت هفت نفری اعلام میداریم. ما از مقامات مسئول خواستار انحلال هرچه سریعتر شورای باصلاح کشاورزی استان که متشکل از ملاکین بزرگ و فئودالهاست، بوده و خواستار تشکیل شورای کشاورزان واقعی هستیم. ما خواهان تشکیل شورای بخش در هر منطقه جهت حل مسائل روستایی آن منطقه هستیم.

سمینار شوراهای اسلامی ده در توابع شیراز با فایده‌های "مازارعین ایران" آماده قیامیم. به دستور خمینی اسامی بیشتر میکاریم "پایان یافت".

بکوشد و کمال همکاری را بنماید ناشورا- هایتوانند بعنوان یک ارگان رسمی در روستاها شناخته شوند.

در پایان، قطعنامه‌ای از طرف شرکت کنندگان در سمینار شوراها صادر شد. در قطعنامه، پس از حمایت از رهبر انقلاب امام خمینی و روحانیت متعهد و دولت و مجلس از کلیه نیروهای رزمنده که در جبهه حق علیه باطل می‌جنگند چنین اعلام میشود:

"ما برطبق اصول ۱۰۷ و ۱۰۴ قانون اساسی خواستار تقویت و تثبیت شوراهای اسلامی هستیم، ما حمایت

انقلابی، بیان داشت. جهاد دانشگاهی شیراز نیز بیامی به سمینار شوراهای ده فرستاد. در این پیام بر حداکثر همکاری بین دهقانان و نهادهای انقلابی از قبیل جهاد سازندگی، سیاه پاسداران، نهضت سوادآموزی، هیئت واگذاری زمین و... تأکید شده، نقش شوراها در ایجاد روح تعاون و همکاری و جلوگیری از نفوذ افراد ضدانقلاب خاطر نشان گردیده و گفته شده است که:

"بر دولت جمهوری اسلامی ایران است که در جهت تقویت شوراهای اسلامی

بیشتر در مورد وظایف شوراها و معیار انتخاب افراد شورا بود، گفت: "زمانی رسیده است که باید وراثت زمین به مستضعفین برسد" و در این شرایط "استقامت رمز پیروزی است".

حجت الاسلام دستغیب سپس گفت: "در شرایطی که کشور در محاصره اقتصادیست، شما دارید زمینه استقلال را فراهم میکنید... و شما به دستور امام کشت را بالا میبرید".

با تکیه دهقانان، حرفهای ایشان تأیید شد. آقای دستغیب در پایان سخنان خود گفت:

"انشاء الله ریشه‌کن شوند وابستگی رژیم گذشته، که از نظر کلی سرکوب شده‌اند، اما گاهی در گوشه و کنار هستند... همانهایی که دسترنج شما را میبردند، انشاء الله اجرایی این طرح واقعی اسلامی که فعلا در دویندش اجرا میشود، امیدواریم در آینده شاهد فراهم شدن زمینه برای کوبیده شدن مستکبرین باشیم".

آنگاه آقای افشار در مورد حدود وظایف شوراهای اسلامی در روستاها صحبت کرد.

آقای "افشار"، که عضو هیئت واگذاری زمین در استان فارس است. ضمن اشاره به اصل‌های ۱۰۷ و ۱۰۴ قانون اساسی، اظهار امیدواری کرد که این اصول تحقق یابند. وی در مورد وظایف شوراهای ده نکات ذیل را تذکر داد:

- ۱- نظارت بر کل کارهایی که در روستا انجام میگردد،
- ۲- بانظارت شورا هیچ زمینی بدون کشت نباید بماند، مگر در آیش باشد،
- ۳- هیچکس بدون هیچگونه مجوزی حق تجاوز به زمین‌های مراتع و منابع طبیعی ندارد. شورا باید جلوی اینگونه کارها را بگیرد،
- ۴- مراتع برای دامداری وزارت عت هرکس احتیاج داشته باشد واگذار میشود،
- ۵- کلیه وام‌های کشاورزی...

باید بامجاز هیئت واگذار شود و ما هم بدون مشورت شوراها هیچ وامی را تأیید نمیکنیم. وام بی‌تأمین است و حتما شورا باید تأیید و نظارت کند که آیا این افراد وام لازم دارند یا نه،

ع- شورا باید خصوصیات متقاضی زمین (که حتما نباید زمین‌دار و سرمایه‌دار باشد) و خصوصیات فرد متقاضی وام (که احتیاج به وام داشته باشد و کسی نباشد که قبلا وام گرفته و به مصرف کشاورزی نرسانده باشد) را بنویسد.

آقای افشار در پایان رهنمودهای خود، نکاتی را در مورد چگونگی اداره امور ده و روابط دهقانان با نهادهای

درسمیناری که از طرف هیئت هفت نفری واگذاری زمین در شیراز تشکیل شد و خبر آن به موقع در نامه "مردم" انعکاس یافت، نمایندگان حدود ۱۰۰ (صد) روستا از توابع فرمانداری شیراز، که در حدود ۴۰۰-۳۰۰ نفر میشدند، در تالار مصدق واقع در دانشکده پزشکی این شهر، گردآمدند. شوراهای اسلامی روستاهای شیراز به سمینار نماینده فرستاده بودند.

آقای دوست فاطمی، یکی از اعضای هیئت واگذاری زمین در آغاز سخنان خود از جمله گفت:

"انقلاب اسلامی بهره‌بربری امام خمینی و یاری خلق مستضعف انجام پذیرفته و از این به بعد ادامه خواهد یافت... استقلال سیاسی مملکت برای ما بسیار مهم است و برای استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی لازم است. بالا بردن تولیدیکی از عوامل استقلال اقتصادیست. شوراها در تمام جنبه‌ها باید فعال باشند. برای اجرای خط امام، شوراها باید بتوانند هماهنگی و انسجام داشته باشند و با هم همکاری کنند.

آقای دوست فاطمی اهداف سمینار را چنین برشمرد:

- ۱- هماهنگی و همفکری شوراهای اسلامی برای بهتر شناختن همدیگر،
- ۲- روشن کردن وضع سیاسی و وظایف شوراهای اسلامی در روستا،
- ۳- توسعه کارهای فرهنگی و بررسی مشکلاتی که از طرف شوراها مطرح میشود.

آقای دوست فاطمی بر مسئله گسترش انقلاب در روستاها تأکید زیادی داشت.

سپس آقای "عبدی"، دبیر هیئت واگذاری زمین، در مورد نحوه واگذاری زمینهای باسیر و سایر توضیحاتی داد. دبیر هیئت بر مسائل سیاسی و اینکه دهقانان باید در سرنوشت سیاسی مملکت حضور داشته باشند، تأکید فراوان کرد. او از جمله گفت:

"تشکل شوراهای اسلامی ضرورت دارد و دهقانان باید شوراهای واقعی کشاورزان را بجای شوراهای کشاورزان که متشکل از نمایندگان مالکین بزرگ و فئودالهاست، تشکیل دهند.

او از اعمال افراد معترض که همیشه سعی کرده‌اند هیئت را بکوبند، برده برداشت. آقای عبدی در پایان خطاب به دهقانان توضیح داد که:

"همیشه باید در مسائل صنفی به مسائل سیاسی توجه کنید و بخود تشکل بدهید و اخلاق اسلامی و روح اخوت و برادری را در خود تقویت کنید و مسئله مهمتر اینکه مسائل مادی و رفاهی را همیشه در رابطه با حق و عدالت در نظر بگیرید."

سپس حجت الاسلام سید علی اصغر دستغیب سخنرانی کرد.

هنگام ورود آقای دستغیب، دهقانان شعار "درود بر روحانی مبارز" را چند بار برای تأیید زحمات و مبارزات ایشان، که همیشه پشتیبان روستائیان مستضعف بوده‌اند، تکرار کردند. آقای دستغیب، ضمن صحبت‌های خویش، که

زمین و شورای فعال ده، دو مسئله اصلی در روستای مرتضی گرد

مرتضی گرد در مالکیت ۷ نفر دهقان است، که یکی دوتفر از آنها در کشت زمین ۷۰ هکتاری هم سهم دارند. روی هم رفته عده‌ای حدود ۴۰ نفر از اهالی، که آمادگی کار کشاورزی دارند، ولی زمین ندارند و ناچار از راههای گوناگون امرار معاش میکنند، منتظر ورود هیئت هفت نفری و تعیین تکلیف عادلانه زمینهای مذکور هستند.

باید هرچه رودتر موانع از پیش پای قانون مصوبه برداشته شود و تمام بندهای قانون از جمله بند "ج" و "د"

اجرا گردد، تا بتوان به مشکلات این ده پایان داد. نباید امکان داد که یک مالک برای حفظ مالکیت بر ۸۰ هکتار تنها بطور تصنیعی یک نفر را بکارگیرد و بجزی باشد

و به بهانه این یا آن بند، ده‌ها دهقان تهدیدت را در فقر و بیگاری نگه‌دارد. هیئت هفت نفری باید با دست‌باز و با درایت، بهترین شکل واگذاری زمینهای

هژبریزدانی و اراضی بزرگ مالکی را پیداکند و شاید موفق به تشکیل یک تعاونی شود. اگر جهاد و سایر نهادهای به خواست اهالی پاسخ مثبت دهند، تا یک شورای واقعی و مردمی، که فعال و کارا باشد، در این ده توسط دهقانان انتخاب شود، آنوقت خود دهقانان بسیاری از مشکلات خود را حل خواهند کرد.

جهاد چهار دانگه برای عمران و آبادی اختصاص داده شده بود، که هنوز کم و کیف آن برای اهالی روشن نیست. همچنین طبق اجاره‌ای از اداره اوقاف جهت بردن ماسه از رودخانه مرتضی گرد، مبلغ ۴۰ هزار تومان گرفته شده، که باز هم مشخص نیست که این مبلغ به شورا داده شده یا نه و سرنوشت این پولها چه شده است.

اهالی جهت روشن شدن قضایای فوق اقدامات عمرانی، خواهان تجدید انتخابات شورا، با نظارت مسئولین جهاد هستند.

حدود ۸۰ هکتار از زمینهای مرتضی گرد در مالکیت یک نفر است، که فقط یک نفر را روی آن بکار گماشته و فقط بخشی از آن (حدود ۱۰ هکتار) زیر کشت است. نامبرده دارای ۴ هکتار باغ شخصی است و دوباغ دیگر مجموعا به مساحت بیست هکتار را اجاره داده است. تعیین تکلیف این اراضی ضرورت فوری دارد.

بخش دیگر از زمینهای مرتضی گرد (حدود ۷۰ هکتار) قبلا در مالکیت هژبر یزدانی بوده، که شامل رودخانه و دو موتور آب است. این زمینها توسط ۱۱ نفر، که اغلب دارای مشاغل دیگری غیر از کشاورزی هم هستند، کشت میشود، که باید سرنوشت قطعی آن معلوم شود.

حدود ۳۰ هکتار دیگر از زمینهای

مرتضی گرد روستایی است واقع در جنوب غربی شهری، که توسط یک جاده خاکی و پیراز دست‌انداز به طول بیش از سه کیلومتر، به نعمت آباد (جاده ساوه) متصل میگردد. این روستا حدود ۸۰ خانوار سکنه دارد، که به کارهای گوناگون کشاورزی و کارگری در شهر و غیره اشتغال دارند. در این روستا آب و برق وجود دارد، ولی اهالی از نبودن درمانگاه و حمام دوش ناراضند. هنوز از تنها حمام قدیمی ده، که خزینه و غیر- بهداشتی است، استفاده میشود. مدرسه مرتضی گرد فقط تا کلاس پنجم ابتدایی دارد. مشکل راه و نبودن وسائل نقلیه عمومی، موجب ترک تحصیل عده‌ای از کودکان میشود. مسجد ده، که بعد از انقلاب بنای آن شروع شده، به صورت نیمه‌کاره رها شده است.

در زمینه توزیع مایحتاج عمومی، اقدام جدی تاکنون صورت نگرفته است. فقط یکی از مغازه‌ها قند و شکر آورده، ولی روغن و بودرلباسوئی و برنج هنوز به روستا نرسیده است.

در ده شورا تشکیل شده، ولی متأسفانه اغلب اعضای شورا فعال نیستند بهمین جهت اخیرا تقاضای کتبی ۲۰ نفر از اهالی جهت انحلال و تجدید انتخابات شورا به جهاد سازندگی شهر-ری ارسال شده است. اهالی منتظر پاسخ هستند. ضمنا مبلغ ۸۰ هزار تومان توسط

شورای ده در روستای سلطان آباد که در ۴۰ کیلومتری شرق شهرستان سبزوار و در جاده سبزوار به نیشابور واقع است، شورایی فعال مردمی است. سلطان آباد ده بزرگی است که دارای سه دبستان و یک مدرسه راهنمایی است. روستا بهداری و حمام دارد و قسمتی از روستا لوله‌کشی شده است. شورا

انقلاب ما یوس و دل سرد کنند، کمکهای زیادی به جبهه فرستاده‌اند. منادیر زیادی برنج گوسفند، آرد، نان و یوبول نقد از این روستا به جبهه جنگ فرستاده شده.

بر دولت انقلاب است که از پشتیبانان واقعی انقلاب، یعنی این روستائیان زحمتکش، از راه واگذاری زمین و توامین وسایل کار، حمایت جدی بعمل آورد.

دهقانان! بیل شما سر نیزه‌ای و بذر شما گلوله‌ای است،

به قلب دشمن. شخم بزنید، بکار بید، تولید کنید،

تا امریکای جنایتکار را درهم شکنید!

فعالیت و وظایف شورای ده در سلطان آباد سبزوار

نشینان روستا، که همراه با کم زمین‌ها ۱۰۰ خانوار را تشکیل می‌دهند، در انتظار تقسیم زمین‌ها به سمری‌برند. وظیفه شورا است که به این مسئله مهم که حیاتی-ترین مسئله کار و زندگی دهقانان است توجه کند و با جلب همکاری هیئت واگذاری و جهاد و سایر در حل آن بکوشد. تمام آفتاب نشین‌ها و دهقانان کم زمین سلطان آباد یکدل و یکصدای-کوبند که طرح واگذاری زمین‌ها باید قاطعانه و به‌طور کامل اجرا شود.

با فریاد این دهقانان زحمتکش، ضرورت مبرم انقلاب و خواست به حق دهقانان مستعبدی‌های که سال‌ها زیر ستم و جور فئودال‌ها کمرشان خم شده، بیان می‌گردد. آنها سربازان اصلی پشت جبهه و پاسداران کشتزارها هستند. انقلاب از آن آنهاست و آنها به حق به انقلاب امیدوارند. آنها شورای خود را تشکیل داده‌اند و شورائیز باید مسئولیت خود را در این زمینه به‌انجام رسانند.

که از میان خود دهقانان برخاسته و به آنان متکی است، تاکنون با کمک ارگان-های انقلابی و دولتی اقدامی در مورد پوشاندن روی فئات، برای بهداشتی کردن آب آشامیدنی و نیز در جهت تأمین برق ده انجام داده است. در این راه جهاد سازندگی نیز همکاری موثری بویژه در تهیه میز و صندلی برای مدارس روستا کرده است.

اهالی جنوب ده، که از ۲۰۰ خانوار جمعیت تشکیل شده‌اند، هنوز از برق و آب لوله‌کشی بی‌بهره‌اند و چشم امید به فعالیت برتر شورای ده دوخته-اند. بزرگ مالک روستا، که قدری به نام جواد است، حدود ۱۰٪ از زمین‌های دیم روستا را به اضافه یک باغ بزرگ در تصرف داشته است. وی اکنون در خارج از کشور زندگی می‌کند و زمین‌ها و باغ و منزلش در اختیار بنیاد مستضعفین است. بنیاد هنوز در واگذاری زمین‌ها به اهالی بی‌زمین و کم زمین اقدامی نکرده و آفتاب-

شورای ده در روستای سلطان آباد که در ۴۰ کیلومتری شرق شهرستان سبزوار و در جاده سبزوار به نیشابور واقع است، شورایی فعال مردمی است. سلطان آباد ده بزرگی است که دارای سه دبستان و یک مدرسه راهنمایی است. روستا بهداری و حمام دارد و قسمتی از روستا لوله‌کشی شده است. شورا

انقلاب ما یوس و دل سرد کنند، کمکهای زیادی به جبهه فرستاده‌اند. منادیر زیادی برنج گوسفند، آرد، نان و یوبول نقد از این روستا به جبهه جنگ فرستاده شده.

بر دولت انقلاب است که از پشتیبانان واقعی انقلاب، یعنی این روستائیان زحمتکش، از راه واگذاری زمین و توامین وسایل کار، حمایت جدی بعمل آورد.

زمین = مشکل اصلی در حسین آباد کامفیروز

حسین آباد از روستاهای بخش کامفیروز فارس است. این روستا در حدود ۷۰ نفر خوش‌نشین دارد، که روی زمینهای سه مالک ده بصورت اجاره‌کاری، برنج کاشت می‌کنند و به ازاء هر هکتار ۴۵۰ من شلتوک (در حدود ۹۰۰۰ تومان) اجاره بهای مالکین می‌پردازند. این زمین‌ها در مجموع ۹۰ هکتار است. البته هر هکتار زمین در حسین آباد قادر است یک خانواده پنج نفری را تأمین کند.

مالکین ده در امر تشکیل شورای ده کار رشنی می‌کنند و مانع تشکل و اتحاد دهقانان و خوش‌نشین‌ها می‌شوند. یکی از روستائیان خوش‌نشین حسین - آباد بنام عسگر رستمی میگوید: "مالکان این ده از اوچ-

گیری انقلاب، که تصمیم دارد دهقانان را مستعبد کرده از قید بهره‌کشی مالکان آزاد کند و حق را به حقدار برساند، وحشترده شده اند و میگویند دیگر زمین را به زارعین اجاره نمی‌دهیم، چون ممکن است از دستمان برود و دهقانان را تهدید می-کنند که زمین را با بر خواهند گذاشت."

دهقانان حسین آباد از هیئت واگذاری زمین می‌خواهند که زمینهای منابع طبیعی را، که این سه مالک آنها را هم ملک طلق خود میدانند، به زارعین خوش‌نشین واگذار کنند. اهالی حسین آباد، علیرغم کار رشنی‌های مالکین بزرگ، که می‌خواهند زحمتکش روستا را نسبت به دستاوردهای

خلق نامی بیاد را ستانه استقلال

آخرین قسمت



سام نوریما، رهبر «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی» («سواپو»): «خلق نامی بیاء، مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران گسترش خواهد داد».

بعد از شکست کنفرانس اعلام داشت: «مردم نامی بیاء علیه اشغالگران آفریقای جنوبی مبارزه مسلحانه را گسترش خواهند داد».

... و سرانجام خلقها پیروزند.

پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، سر آغاز نجات بشریت از بهره کشی فردی و ستم طبقاتی، و پیش دران استقلال و آزادی و بهروزی خلقها بود. شکست فاشیسم هیتلری در جنگ جهانی دوم، پیدایش جامعه کشورهای سوسیالیستی و تغییر تناسب قوا بسود نیروهای صلح و سوسیالیسم در سطح جهانی، به نیروی انقلابی بالقوه سترک و درانسانز خلقهای تحت ستم، تجسم مادی بخشید. در دو دهه اخیر، روند واحد انقلاب جهانی، از جمله فروپاشی نظام استعماری را برای بشریت بهارمان آورد. پنجاه و یک دولت مستقل بر روی نقشه سیاسی جهان پدیدار گردیده است. سرنوشت خلق نامی بیاء نیز جدا از سرشت و سرنوشت روند توفانی انقلاب جهانی نیست. اینک، «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی» («سواپو») با پشتیبانی بیدریغ مردم نامی بیاء، به پشترانه ۱۴ سال مبارزه مسلحانه و برخورد از کمکهای بی غرضانه مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی، جنبش غیرمتمدها و کلیه سازمانها و نیروهای مترقی و صلح دوست جهان، تا دستیابی به پیروزی راه درازی در پیش ندارد. آری، استقلال و بالندگی خلقها، و از آن جمله خلق نامی بیاء، در دستور روز تاریخ است. پایان

سردمدار «حکومت ونیدهوک» در مذاکرات اعتراض کرده، ولی، از آن رو که خواهان برگزاری این کنفرانس و افشای سرشت ریاکارانه افسریقای جنوبی بود، خواستار شد که موج بعنوان عضو هیئت نمایندگی آفریقای جنوبی شرکت کند. این خواست «سواپو» در گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد بازتاب نیافت.

سام نوریما، رهبر «سواپو»، در پیامی که در مقر سازمان ملل متحد منتشر گردیده، پشدت از گزارش ارائه شده، انتقاد بعمل آورد. او، برای نمونه، قسمت مربوط به شرکت «همه احزاب ذینفع» را غیر قابل پذیرش ارزیابی کرد، زیرا این امر، در واقع بمفهوم ایجاد محملی برای شرکت نمایندگان غیرقانونی رژیم دست نشانده، تحت پوشش هیئت نمایندگی آفریقای جنوبی، در همطرازی کامل با سازمان «سواپو» محسوب می گردید. در این مسیر، «سواپو» برای حل و فصل فوری مسئله نامی بیاء در یک همایش مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کاربست مجازاتهای اقتصادی همه جانبه علیه آفریقای جنوبی پافشاری میکرد.

آفریقای جنوبی کنفرانس ژنو را به شکست کشاند

کنفرانس در ۱۶ دی ماه در ژنو کار خود را آغاز کرد. سام نوریما، رهبر «سواپو» طسی مصاحبه مطبوعاتی که در ژنو برگزار گردیده، درباره پیدایش تلاشهای پنهان جویانه ای که نژادپرستان آفریقای جنوبی در جهت به بن بست کشاندن کنفرانس بعمل می آورند، گفت:

«اگر کنفرانس ژنو بر اثر کارشکنی نژاد پرستان آفریقای جنوبی با شکست روبرو شود، خلق نامی بیاء، مبارزه مسلحانه خود را علیه اشغالگران گسترش خواهد داد».

نوریما همچنین افزود: «در صورتی که کنفرانس ژنو بر اثر خرابکاری آفریقای جنوبی و دست نشاندهگان آن به نتیجه نرسد، «سواپو» خواستار اعمال مجازاتهای اقتصادی همه جانبه علیه آفریقای جنوبی خواهد شد.» و هاتکونه که انتظار میرفت، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی، با حمایت «متحدان» غربی خود، از امضاء موافقت نامه آنتن پس پیشنهادی سازمان ملل متحد خودداری ورزید و کنفرانس را به شکست کشاند.

بدینسان، شکست کنفرانس، الهام بخش پایداری و حقانیت بیکار آزادیبخش خلق نامی بیاء گردید. یکی از نمایندگان «سواپو» در کنفرانس،

بدین منظور، امیر یالیستها، که شاهد گسترش مبارزه مسلحانه مردم نامی بیاء برهبری «سواپو» هستند، با افزایش کمکهای نظامی و اقتصادی به رژیم آفریقای جنوبی، و هماهنگ با آن، در بهره روری از سنن واپسگرای قبیله ای، دست به توطئه گری می یازند. آنها وابستگان بخود و عناصر ارتجاعی بومی را بخاطر ایجاد یک ارتش دست نشانده سازمان می دهند، تا از طریق توطئه ها، تحریکات و جنبه کشایی ها، به جنگ داخلی بین ملتها دامن یزنند.

امیر یالیستها، پس گردگی امیر یالیستها آمریکا در پشت همه این اقدامات ضد مردمی، برای پوشاندن سیمای پلید خود، از مانورهای دیپلماتیک، مانند ارائه طرح «بیمان جمعی» بخاطر واگذاری استقلال به نامی بیاء، نیز کوتاهی نمی کنند.

پیشنهاد تشکیل کنفرانس ژنو

در تاریخ ۳ آذر ماه ۱۳۵۹، کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، طی گزارشی به شورای امنیت، پیشنهاد تشکیل کنفرانس را، در روزهای ۲۳-۱۶ دیماه ۵۹، جهت بررسی برنامه واگذاری استقلال نامی بیاء ارائه داد. بر اساس این برنامه، که قرار بود از سال گذشته به اجرا گذارده شود، می بایستی نامی بیاء تا پایان سال جاری مسیحی استقلال خود را باز یابد. سازمان ملل متحد برای تشکیل کنفرانس، از نمایندگان آفریقای جنوبی، «سواپو»، دولت های «خط مقدم»، نیجریه، دبیر کل «سازمان وحدت آفریقا» و از پنج کشور عضو «بیمان جمعی»، بعنوان ناظر دعوت بعمل آورد. فزون بر آن، قرار شد درباره مسئله «حکومت ونیدهوک» نیز در گفتگوهای دو جانبه بین آفریقای جنوبی و «سواپو» تصمیم گیری شود.

آفریقای جنوبی در کنفرانس شرکت می کند

آفریقای جنوبی شرکت در کنفرانس را پذیرفت، ولی پذیرش آن به هیچ رو هدف نیکخواهانه ای رادری نداشت. رولف بوتاه، وزیر امور خارجه آفریقای جنوبی، آشکارا اعلام کرد که دولت متبوع وی آماده شرکت در مذاکرات بمنظور پایان بخشیدن به تهدیدها، برای مجازات های اقتصادی علیه آفریقای جنوبی است. بر توری برای خنثی ساختن خطر مجازات های بین المللی به نیرنگ بازی دیگری هم چنگ افکند. رژیم نژادپرست خواستار آن شد که گفتگو درباره استقلال نامی بیاء تنها با حضور «سواپو» و «حکومت ونیدهوک» و با شرکت آفریقای جنوبی بعنوان عضو ناظر انجام پذیرد. «سواپو» در آغاز به شرکت دیرک موج، شخصیت پوشالی عامل انحصارات امیر یالیستی و

«سواپو» دیگر «بیر کاغذی نیست»

در نتیجه تحکیم مواضع سیاسی اجتماعی «سواپو» و تشدید مبارزه توده های خلق نامی بیاء، و در پرتو ارجحی همبستگی بین المللی، نامی بیاء در آستانه دستیابی به استقلال و آزادی قرار دارد. به اعتراف روزنامه رسمی آفریقای جنوبی، بنام دور تایزر ونیدهوک «سواپو» دیگر «بیر کاغذی نیست» آری، «سواپو» اینک سازمان توانایی است که جنبش توده های ستمدیده نامی بیاء را علیه اشغالگران نژادپرست آفریقای جنوبی و حامیان امیر یالیستی آنها سازمان میدهد. در پیوندنامه رهبران قبیله نامه، که خود نمودار خصلت خلثی «سواپو» است، از جمله خاطر نشان می گردد:

«همه نامی بیاییها از حقوق و وظایف یکسانی در برابری یک ملت متحد، آزادخواه و صلحجو برخوردارند. «سواپو» بمفهوم خلق و خلق بمفهوم سواپوست».

«سواپو» از سوی کشورهای غیر متمه پذیر سمیت شناخته میشود

در عرصه جهانی، طی سالهای اخیر، واگذاری حق استقلال بی چون و چرا به خلق نامی بیاء و تصمیم گیری درباره اجرای مجازات های اقتصادی علیه آفریقای جنوبی، از حمایت گسترده و بی سابقه دولت های غیر متمه پذیر و سوسیالیستی برخوردار شده است.

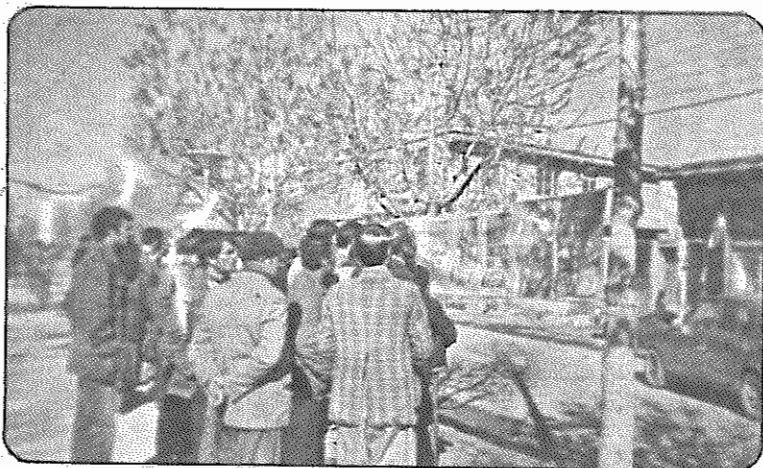
سال گذشته فراخای پشتیبانی از خواست عادلانه مردم نامی بیاء چنان دامنه وسیعی یافت که «سواپو»، از سوی «جنبش غیر متمه پذیرها» بعنوان یگانه نماینده قانونی مردم نامی بیاء برسمیت شناخته شد و در ششمین کنفرانس غیر متمه پذیرها در هاوانا، در سال ۱۳۵۸، بعنوان عضو ناظر شرکت جست.

یاری های کشورهای سوسیالیستی نیز افزایش یافته است. در این بین، اتحاد شوروی از طریق کمکهای مختلف، از جمله ارسال دارو و تجهیزات پزشکی و لباس، درمان سربازان مجروح ارتش آزادیبخش ملی نامی بیاء و تربیت کارشناس و متخصص برای نامی بیایی مستقل، سهم انکارناپذیری در پیروزی مبارزات «سواپو» و خلق نامی بیاء دارد.

آفریقای جنوبی، پایگاه تجاوز امیر یالیسم در قاره آفریقا

از سوی دیگر، آفریقای جنوبی، به مثابه یکی از مهم ترین پایگاههای نظامی امیر یالیسم، به سرکردگی امیر یالیسم آمریکا، در قاره آفریقا بحساب می آید. امیر یالیستها بخاطر حراست و تحکیم مواضع نظامی، اقتصادی و سیاسی خود در قاره آفریقا، پاسداری از سربل تجاوز و سرکوب خلقهای پیاخته جنوب آفریقا و حفظ زنجیرهای اسارت بر در نامی بیاء، و همچنین، برای چپاول منابع سرشار کشور آفریقای جنوبی در سایه نظام غیر انسانی آپارتاید (جدایی نژادی) از هیچ تلاشی فرو گزار نمی کند.

حملة چماقداران به نمایشگاه عکس حزب توده ایران



شدند. متاسفانه علیرغم اظهار نظرهای مقامات مسئول کشور مبنی بر محکوم کردن این گونه اقدامات، برخی از مسئولان شهر، ضمن حمایت آشکار از این گروه متجاوز و چماقدار، اظهار داشتند که حزب توده ایران، قانونی نیست و اجازه فعالیت ندارد. ماضن محکوم کردن این گونه حملات، نظر مسئولین آن شهرستان راه سخنان امام خمینی، رهبر انقلاب، در مورد چماقداری جلب می کنیم، و از آنان می خواهیم که مطابق قانون و نه بر مبنای نظرات شخصی، با این اعمال برخورد کنند.

عدهای تحریک شده، روز ۲۲ بهمن سال جاری، به نمایشگاه عکسی که از طرف سازمان جوانان توده ایران در شهرستان قروه (از توابع کردستان) تشکیل شده بود، حمله کردند. این نمایشگاه، که به مناسبت دومین سالگرد پیروزی انقلاب تشکیل شد، مورد استقبال مردم قرار گرفت. ولی مدتی پس از برپائی نمایشگاه، عناصر تحریک شده با چاقو به آن حمله کردند. این حمله به از بین رفتن نمایشگاه و زخمی شدن ۲ تن از هواداران حزب توده ایران منجر شد. در پی این حمله، مسئولین نمایشگاه به مقامات مسئول شهر مراجعه کردند و خواستار جلوگیری از ادامه و تکرار این حملات

کاخ بیدار بزم کنیم خانه حزب را گستریم آباد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان! ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم برای خریدن و یا ساختن خانه حزب بکمک مالی شما نیازمندیم. کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۴۰۲۴، بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) شعبه سپهبد قره نی شمالی بپردازید. توجه: پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه های بانک ملت ایران (بانک تهران سابق) ممکن است.

۲۰۰۰۰ ریال	ج. ث
۴۳۰۰ ریال	سازمان حزب در بندردیلم (برای خانه حزب)
۳۳۰۰ ریال	جمع آوری شده در میهمانی
۶۳۰۰ ریال	مبشر
۸۰۰۰ ریال	جلال حقیقت

نمایشگاه عکس در بابل



در این شهرستان از طرف آعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان بابل، نمایشگاه عکس و مطلبی به مناسبت سالروز بازگشت امام خمینی

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امیر یالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

امروز نیز دباشیطان بزرگ است

جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، برپاست حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تشکیل شد. در آغازین جلسه میرپروژه شهربانی، نماینده بوشهر، به عنوان اولین ناطق قبل از دستور درباره مشکلات حوزه انتخابیه خود سخن گفت.

فدائی، نماینده مردم اراک، دومین ناطق قبل از دستور در سخنان خود، ضمن اشاره به روزنامه «میزان» و سخنان امام خمینی در دیدار با مسئولین این روزنامه، خطاب به آنان گفت: «چرا عمل نمیکنید چرا «میزان» و گردانندگانش (به این سخنان) عمل نمیکنند؟»

وی افزود: «بعضیها گول ایشان را خوردهاند. فکر میکنند که وقتی مردم رای دادند، دیگر از پل صراط هم گذشتهاند. نه! مردم رای دادند که عمل ببینند و مردم رای دادند که ببینند چه کار می کنید؟ همان مردم، زنده هستند و اگر عمل نکنند، می توانند رای خودشان را پس بگیرند.»

وی سپس به سخنان ۴ نماینده «نهفت آزادی» در میتینگ امجدیه، اشاره کرد و در مورد آن از جمله گفت: «اگر کسانی می بینند نمی توانند در این دولت رخنه کنند و به عنوانی که لیاقتشان را ندارند (خودشان) را عرضه کنند، این دیگر تصویر ملت نیست.»

سومین ناطق قبل از دستور، بهروزیه، نماینده کلیس، خواستار مبارزه قاطع با سرمایه داری و فئودالیسم شد و از جمله گفت: بایستی به پشتوانه همین پارتیها و میلیونی با سرمایه داران، این فئالمان اجتماعات انسانی و فئودالیهای خونخوار و دمنش و وابستگان رژیم سابق و کلیه جریاناتی که برای تثبیت یک نظام سرمایه داری عمل می کنند، با شدت و قاطعیت هر چه تمامتر مبارزه ای ابدی دراز کرد، تا دیگر کسی نتواند زیر لوای حکومت جمهوری اسلامی، حاصل دسترنج دیگری را بهر عنوان به یغما برد.»

وی سپس خواست که: «در مصاف با استکبار جهانی نیروها طوری عمل کنند که روبه ضعف و سستی نروند، چرا که فقط

در این شرایط آمریکا هیچ غنظی نمی تواند بکند. ناطق بعدی، آقامحمدی، نماینده همدان، در سخنان خود، ضمن اشاره به اینکه «ما از همان سال ۴۴، دشمن اصلی را آمریکا دانستند، گفت: «از همان موقع امپریالیسم آمریکا کمر به شکستن لبهت مقاومت امام بست.» وی سپس به مبارزه قبرمانانه خلق برهبری امام خمینی برای برانداختن رژیم شاه اشاره کرد و از کسانی نام برد که بجای شعار «مرگ بر شاه» میخواستند شعار «مرگ بر نخست وزیر» را قرار دهند. وی گفت:

«اما امام گفتند اینها شیطانند. همه بگویند مرگ بر شاه، تا کار تمام شود. ملت چنین کرد و چنان شد. بعد از آنکه شاه افتاد، باید نوبت اصلی می شد. مرگ بر آمریکا باید می آمد در کار، که با همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که لانه جاسوسی را تسخیر کردند، امام امت آن فریاد ۴۴ را یکبار دیگر آغاز کردند، که اینک انقلاب بزرگتر از انقلاب اول آغاز شده است.»

ناطق سپس به توطئه هایی که برای مخدوش کردن این شعار آغاز شده است، اشاره کرد و از جمله گفت:

«تمام توطئه ها بر این شد که شعار «مرگ بر آمریکا» از کشور بیفتد. تمام همت بر این شد که سیاست «نه شرقی، نه غربی» جمهوری اسلامی ایران، آنچنان «نه شرقی» اش قوی شود که به «نه غربی» آن پیچید. آنچنان شود که «مرگ بر آمریکا» که امروز سروکار ما با اوست و امروز چنگال او در کشور ماست، از یادها فراموش شود.»

وی همچنین تاکید کرد: «امروز نیز دباشیطان بزرگ است.»

ناطق سپس گفت: «امروز خط آمریکا در ایران سعی می کند تمام توجه را به جیبه داخل متوجه کند، ما را از مبارزه بزرگ بازدارد. و برای اینکار به «من های انسانها توجه می کند و از طریق منیتها شروع کرده اختلافات داخلی را دامن زدن.» آقا محمدی سپس با تاکید بر اینکه «هتمان مرگ بر آمریکا» باشد و «نبرد با شیطان بزرگ باشد» به توطئه «خطر کمونیسم»، که از سوی عمال آمریکا چیده شده است، اشاره کرد و از جمله گفت: «می خواهند جریان ۴۴ را تکرار کنند... می خواهند مردم را از ترس کمونیسم بدامن آمریکا بیندازند و این خطری است که در اول پیروزی انقلاب و آنهایی که در سال ۴۴، آتی فلان شده بودند، امروز آتی- کمونیست شده اند. تمام جریان و برنامه ریزی اینست، که مردم را از ترس حزب توده (ایران) و شوروی به دامن آمریکاییاندازند.» وی تاکید کرد: «(مردم) شیطان بزرگ را فراموش نخواهند کرد و مبارزه شان را با شیطان بزرگ ادامه خواهند داد. مجلس محترم باید به یاد مستضعفین باشد، تنها برای مستضعفین بکوشد و یادش نرود در نقطه ای، مرگ بر آمریکایش قطع نشود و شیطان بزرگ فراموش نشود.»

آنگاه مجلس به ادامه بحث در مورد طرح فعالیت احزاب پرداخت. در اینجا حجت الاسلام محلاتی طی سخنانی خواستار مسکوت ماندن شد. وی در توضیح علت این درخواست از جمله گفت:

«این طرح نپخته است.» در مورد این پیشنهاد رای گیری شده که به تصویب نرسید. سپس در ادامه بحث، خانم اعظم طالقانی، بعنوان مخالف سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«چند ماه پیش به شورای عالی قضایی رفتم و گفتم چرا برای این مسائل طرحی

در تدارک ارتش سیاسی ضدانقلابی آنها کمک می کرد، قبل از هر چیز عدم شناخت عمیق ماهیت امپریالیسم امریکائیمپریالیسم هارت و برتر - توسط دکتر مصدق بود. دکتر مصدق موقی امپریالیسم امریکا را شناخت، که دیگر دیر شده بود. عدم قاطعیت حکومت ملی دکتر مصدق در اقدامات موثر به نفع توده های مردم عامل دیگری در تضعیف حکومت او بود. اقدامات مخمصری را نیز که دولت میخواست انجام دهد، وابستگان به طبقات استثمارگر و عوامل امپریالیسم بی اثر می کردند. این تصور واهی، که بدون تحولات اساسی دموکراتیک بسود توده های زحمتکش در داخل کشور می توان مبارزه با امپریالیسم را با موفقیت از پیش برد، زمینه را برای منزوی ساختن حکومت ملی دکتر مصدق فراهم ساخت.»

در دوران حکومت ملی دکتر مصدق هرگز حکومت یگانه او برقرار نشد. در کشور حاکمیت دوگانه، که شاه در رأس یک شاخه آن و دکتر مصدق در سرشاخه دیگر آن بود، در تمام مدت بصورت موازی وجود داشت. شاخه درباری آن بکمک ارتش و پشتیبانی بیدریغ امپریالیستها و کلان- سرمایه داران و بزرگ مالکان روز به روز نیرومندتر و شاخه مصدقی آن در رأس کارشکنی عوامل امپریالیسم و سستی در ایجاد جبهه متحد خلق، که بتواند در برابر حاکمیت شاه و ارتش ایستادگی کند، ناتوانتر میشد. و بالاخره، آن یک، پس دیگری فائق آمد. آنچه در چند ساعت بصورت کودتای ۲۸ مرداد پیاده شد، به تدریج، طی یکی - دو سال، شکل گرفته بود.

دکتر مصدق میکوشید شمار انقلابات بورژوازی غرب را که، شاه باید سلطنت کند نه حکومت، از طریق مسالمت آمیز به مرحله اجرا درآورد، در حالیکه اجرای این شعار در ایران (چنانکه در غرب هم روی داده بود) بجز با اقدامات قاطع، بجز با مداخله فعال توده ها و بدون توسل به زور ممکن نبود، ولی زور (ارتش) و سایر نیرو- های انتظامی همچنان در دست شاه باقی

ماند. بورژوازی لیبرال ایران، که یکی از تکیه های عمده دکتر مصدق بود، بیش از آنکه از حکومت شاه بترسد از «حکومت» مردم، که ممکن بود بوجود بیاید، می ترسید. بخش بزرگی از بورژوازی لیبرال، پس از سیام تیر ۱۳۳۱، بتدریج پشت دکتر مصدق را خالی کرد. اینک نیز امپریالیستها میکوشند عواملی از کاتیک خود در دوران جنبش ملی کردن نفت برهبری دکتر مصدق را برای منزوی کردن حکومت انقلابی کنونی ایران بکار گیرند. تفرقه افکنی بین نیروهای که با فضل و با تقوه می توانند پشتیبان انقلاب باشند، در صدر سیاست امپریالیسم قرار دارد. این تفرقه افکنی نیز به دست عوامل خود آنها، که در تمام نهادها و سازمانها رخنه کرده اند، انجام میگردد. نباید فراموش کرد که امپریالیستها در ظرف مدت ۲۵ سال پس از کودتای که در حقیقت حکومت ایران را در دست داشتند هزاران نفر را برای انجام اینگونه ماموریتها تربیت کردند. از این جهت امکانات امپریالیستها اکنون برآب بیش از دوران جنبش ملی کردن نفت است. «کارت سیزی» ها یک نفر، ده نفر و صد نفر نیستند، دهها هزار نفر طی این مدت در دامان «دوستان» غربی شاه تربیت شده اند که عده ای از آنان آگاهانه و عده ای دیگر نا آگاهانه سیاستهای امپریالیسم را اجرا میکنند، بین مردم و گروهها اختلافات مصنوعی می اندازند و آنها را از یکدیگر جدا میکنند و مهمترین شیوه کار آنها هم همان شیوه زمان دکتر مصدق، یعنی ترساندن قهرهای بینایی و متوسط از خطر کمونیسم و «خطر شوروی» و «خطر حزب توده ایران» است، برای جلب آنها بجنب مخالف دولت انقلاب است.

شیوه دیگر امپریالیسم و دستیاران داخلی، همان شیوه کارشکنی در اقدامات قاطع دولت (بند دج) و ملی کردن بازرگانی خارجی و غیره) برای دور کردن زحمتکشان از حکومت انقلابی است. از جنگ تحمیلی رژیم صدام حسین علیه ایران و محاصره اقتصادی و سایر

تنبه نمی شود. گفتند ما تصویب کرده ایم و به هیئت وزیران دادیم، نمی دانیم چرا تصویب نمی کنند به مجلس بدهند.»

وی آنگاه ضمن قرائت نظر شورای عالی قضایی در مورد فعالیت احزاب و گروهها، این سؤال را مطرح کرد که: «با توجه به اینکه طرح یا لایحه شورای عالی قضایی که خود رودر رو با مسئله است، به نخست وزیری رفته، سؤال اینست که چرا این تصویب نشده است؟»

«موحلی ساوچی» در موافقت با این طرح سخن گفت و بعد نوبت به شجاعیان رسید، که در مقام مخالفت با طرح مزبور، از جمله تاکید کرد که:

«بر اساس این طرح فقط احزاب مدافع دولت حق فعالیت دارند.»

موحلی گرمانی در موافقت با طرح صحبت کرد.

پس از پایان سخنان موافق و مخالف، اسدی لیا مخبر «کمسیون امور داخله» در توضیح این طرح صحبت کرد و سپس آیت الله مهدوی کنی وزیر کشور توضیحاتی داد.

پس از پایان سخنان وزیر کشور، در مورد کلیات طرح مربوط به فعالیت احزاب بطور علنی رای گرفته شد، که با ۱۲۹ رای موافق، ۴۱ مخالف و ۱۲ رای ممتنع به تصویب رسید.

پس از پایان رای گیری، سئوال های نمایندگان از وزارت کشور مطرح شد.

مخالفت با درگیریهای غیر مسئولانه آیت الله مهدوی کنی، وزیر کشور، در مقام پاسخگویی از جمله اظهار داشت:

«امنیت از آن مسائلی است که باید کاملاً روی آن تاکید شود... هر جا امنیت در سایه قانون باشد، این امنیت جذاب است و لذا باید برای ایجاد چنین امنیتی کوشش کنیم.»

آیت الله مهدوی کنی سپس افزود: «ما بنایمان بر این است که جلودرگیریها را بگیریم. من همواره با کارهای غیر قانونی مخالفت کرده ام و کارهای غیر مسئولانه را صحیح نمی دانم، زیرا اینها موجب هرج و مرج است. این عقیده من است و جدا به مجریان دستور داده ام که این اصول را رعایت کنند.»

وزیر کشور سپس به میتینگ ۴ نماینده «نهفت آزادی» اشاره و تاکید کرد که در این میتینگ شعارهای تحریک آمیزی داده می شد و «من توقع داشتم گویندگان مراسم مانع می شدند.»

وزیر کشور آنگاه خاطر نشان ساخت که بهر حال برای مقابله با این امور تمهیداتی در نظر گرفته شده است. وی در مورد دستگیری مسببین این حوادث گفت:

«ما در مواردی عده ای را هم دستگیر کرده ایم و به دادگاه تحویل داده ایم که بقیه آن دیگر به ما ربطی ندارد. البته ما در مسئله امنیت نقضی در کارمان داریم. پلیس ما ضعیف است و ما باید پلیس را تقویت کنیم. برای کمیته ها نیز برنامه ای داریم تا بتوانیم به کمک آنها و مردم امنیت را ایجاد کنیم. بخصوص آنکه در حال حاضر سرعت هایی در مملکت هست که سیاسی است و به خاطر دزدی نیست، برای ایجاد نا امنی است. بهر حال اعمالی که زیر هر نامی انجام می شود و خلاف عدل است، باید محکوم شود، نه اینکه اعمال گروه مخالف در مجلس مطرح شود و عمل گروه موافق طرح نگردهد.»

پس از پایان توضیحات وزیر کشور، چون سئوال کنندگان توضیحات وزیر کشور را کافی ندانستند، موضوع به کمیسیون سئوالات ارجاع شد. جلسه بعدی مجلس روز یکشنبه ۱۷ اسفند تشکیل میشود.

فشارها، که در دوران حکومت دکتر مصدق، با اشکال و شیوه های دیگر بکار بسته میشد، سخن نمیگویند. هدف از تمام این اقدامات، که از استراتژی امپریالیسم در مبارزه با جنبش های آزادیبخش ملی و انقلابات مردمی ناشی میگردد، منزوی کردن انقلاب و سرکوب آن و یا پوساندن آن از داخل و مسخ کردن آن است.

امپریالیسم، پس کردگی امریکا، در سرکوب جنبش ملی کردن نفت به رهبری دکتر مصدق توفیق یافت. امپریالیسم امید خود را به سرکوب انقلاب شکوهمند بهمن نیز از دست نداده است. ما که تجربه دوران دکتر مصدق را در پیش چشم داریم و فاجعه ای را که شکست آن به دنبال آورد، دیده ایم، حق نداریم اشتباهات آن دوره را تکرار کنیم و باز دیگر امپریالیسم، پس کردگی امریکای را پس کشور از بندرسته خودمان مسلط سازیم. در پایان میخواستیم بار دیگر شخصیت تاریخی دکتر مصدق، فرزند وفادار میهن و مبارز بزرگ ضد امپریالیست کشورمان را ستایش کنیم، از پیروزی و شکست او پند بگیریم و هرگز فراموش نکنیم که انقلاب شکوهمند بهمن از متن تمام جنبشها و انقلابهای خوین مردم قهرمان ما طی صد سال اخیر روئیده و به پیوجوه یک پدیده خودرو و جدا از تاریخ میهنمان نبوده است.

ساروز در گذشت «دکتر مصدق در عین حال یادآور فاجعه کودتای ۲۸ مرداد است، یادآور شکست جنبشی است که مردم ایران در آن با شعار دیا مرگ یا مصدق شرکت داشتند و با توطئه امپریالیسم پس کردگی امریکا، دربار دست نشانده پهلوی، کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان و بدست خائنتی چون سپهبد زاهدی در خون غرق شد، اما نبال انقلاب بهمن را آبیاری کرد و بارور ساخت. و اکنون مائیم که باید در پاسداری از این نبال برومند در برابر شیطان بزرگ امریکا و یاران داخلی، زیر رهبری اصماف خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، متحد شویم و دلیرانه بایستیم و خواهیم ایستاد»

سالروز درگذشت ...

بقیه از صفحه ۱

واقف بود که تنها با حفظ این سنتها و دفاع از آنان میتوان جنبش انقلابی را در ایران احیا نمود، دامنه آنرا وسیعتر و عمق آنرا بیشتر کرد. حزب توده ایران برای نیل باین اهداف انقلابی بود که سیاست خود را در دوران ملی کردن صنعت نفت مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داد و قاطعانه از خود انتقاد کرد، به این دلیل که نتوانسته بود در دوران کوتاهی شیوه علمی تحلیل مارکسیستی را درباره مسئله عمده و غیرعمده در جنبش بکار بندد. در همین جا روی کلمه «کوتاه» تاکید میکنیم و می افزاییم که این دوران کوتاه مربوط به مرحله ابتدائی جنبش است، نه مرحله نهائی آن. که حزب ما یا تمام نیرو از جنبش و شخص دکتر مصدق پشتیبانی میکرد و بهمن دلیل، اشتباه حزب در کاربرد شیوه علمی تحلیل مارکسیستی در آن دوران کوتاه، هیچ نقش اساسی در شکست جنبش نداشت. برعکس، حوادث تاریخی ثابت می کند که:

«حزب توده ایران و انقلابی ترین بخش مصدقی جنبش، گام به گام به هم نزدیک شدند. در سر هر پیچ گروهی از یاران تیم راه مصدق او را رها کردند و در عوض در هر لحظه دشوار و قاطع حزب تودایران گام تازه ای به سوی مصدق برداشت. ما حکومت مصدق را لااقل سه بار از سقوط حتمی نجات دادیم و به آنجا رسیدیم که در روزهای سرنوشت ساز تیر و مرداد ۱۳۴۴، تقریباً تنها سازمان سیاسی وفادار به حکومت مصدق و ملی شدن نفت بودیم و در ۲۸ مرداد مطلقاً تنها سازمانی بودیم که لحظه ای مصدق را تنها گذاشتیم و همه نیروی خود را عرضه کردیم و آمادگی خود را برای دفاع از حکومت مصدق اعلام نمودیم.» (رجوع شود به کتاب «تجر به ۲۸ مرداد» نوشته ف. م. جواشیر، ص ۳۲۹)

حزب ما در مورد رابطه اش با دکتر مصدق و سیاستش در دوران جنبش ملی

نمایش تئاتر

به مناسبت
بزرگداشت
«ابن سینا»

در تالار میدان آزادی



گروه هنری آناهیتا، بمناسبت
برگزاری هزارمین سال تولد
«ابن سینا»، نمایشی با نام «حجرت
الحق» در تالار میدان آزادی
تهران به نمایش گذاشته است.
این نمایش با کارگردانی مصطفی
اسکوئی، از روز ۲ اسفند ۵۹،
همه روزه ساعت ۳ بعد از ظهر
در این مکان اجرا می شود.

تصحیح

در مطلب مربوط به «فراخوان
مشترک تشکیلات دمکراتیک زنان
ایران و لیگای زنان عراق، علیه
جنگ و برای صلح»، نام مبارز
عراقی «عائده (املی) یاسین»
اشتباه چاپ شده بود، که بدین-
وسیله تصحیح می شود.

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی باموفقیت کامل پایان یافت

بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی،
روز ۱۴ اسفند ۵۹، با موفقیت کامل پایان یافت.
لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و
صدر شورای عالی اتحاد شوروی، پس از پایان کنگره، در برابر
نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی که بعنوان میهمان در
این کنگره شرکت کرده بودند، سخنانی ایراد کرد.
لئونید برژنف پس از سپاسگزاری از میهمانان از جمله اظهار
داشت:

«شما میهمانان عزیز، ضمن شرکت در کار کنگره حزب ما،
امکان یافتید که با زندگی جوشان و پرهمهون مردم کشور ما و
فنالیتهای هدفمند حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی آشنا شوید.
تصمیمات اتخاذ شده در این کنگره راه پیشرفت اقتصادی و فرهنگی
و اجتماعی مردم کشور ما را برای پنجسال آینده مشخص میسازد.
ما ضمن تنظیم برنامه های پیشرفت اقتصادی و اجتماعی، مقدم بر هر چیز،
دو هدف ساده و روشن را در برابر خود قرار میدهم. این دو هدف
عبارتند از تامین رفاه زندگی مردم و تامین صلح و امنیت برای همه
خلقیهای جهان.

کار بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی با
وضوح کامل تمایل حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی را برای
تحقق بخشیدن به این دو هدف تأیید میکند.

لئونید برژنف خاطر نشان کرد:
«حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، چنانکه در این کنگره
تأکید گردید، به مسئولیتهای اترانسوئالیستی خود آگاهی کامل
دارند و وظیفه خود را در این زمینه ایفاء خواهند کرد. ابتکارها و
پیشنادهایی که درباره استحکام میانی صلح در این کنگره ارائه
گردید، نمایانگر آنستکه حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی
با پیگیری و بطور خستگی ناپذیر بخاطر رهایی خلقها از خطر وقوع
جنگ جهانی جدید و وهایی از زیر بار مسابقه تسلیحاتی مبارزه میکنند.
لئونید برژنف اظهار داشت:

«حزب کمونیست اتحاد شوروی اطمینان میدهد که در آینده نیز
تمام مساعی خود را در راه دوستی و همبستگی کشورهای سوسیالیستی
و تمام خلقها و توده های زحمتکش جهان بکار خواهد برد».

بر سر فروش نشریه، مدارس زابل به تشنج کشید شد

مسئولان درجه اول زابل برای رسیدگی به مسئله اخراج سه
دانش آموز، که سبب درگیری و تشنج در اغلب مدارس این شهر
شده است، در جلسه ای شرکت کرده اند.
این جلسه بدنبال تشنجات چند روز گذشته، در بیشتر مدارس
زابل، تشکیل شده است که آغاز آن از دبیرستان ۱۷ شهریور آن
شهر بود.

روز هفتم اسفند ۵۹ بر سر فروش نشریه «مجاهد» در دبیرستان
۱۷ شهریور زابل، بین سه تن از هواداران مجاهدین و اعضای انجمن
اسلامی درگیری پیش آمد. برخورد غیرمسئولانه از یک سو و انحصار-
طلبی از سوی دیگر، ثمره تلخ خود را داد و این درگیری مدرسه
را به تشنج و آشوب کشید.

بدنبال این درگیری، شورای مدرسه تشکیل شد، ولی متأسفانه
بجای اتخاذ یک روش انقلابی برای ایجاد تفاهم بین دو گروه، حکم
به اخراج سه هوادار سازمان مجاهدین داده شد. رئیس آموزش و
پرورش به این حکم اعتراض کرد و یکی از اعضای انجمن اسلامی
تصمیم گرفت حکم اخراج را بصورت اعلامیه منتشر کند. در نتیجه
تشنج به دیگر مدارس شهر گسترش یافت.

در دنباله ماجرا، روز یکشنبه گذشته، هواداران دختر مجاهدین
خلق، با حمایت پسران هوادار، از دبیرستان ۱۷ شهریور دست به
راهپیمایی زدند و بطرف اداره آموزش و پرورش رفتند. در آنجا اداره
آموزش و پرورش به اشغال درآمد. بدنبال اشغال اداره آموزش و
پرورش، فرماندار، امام جمعه وفرمانده سپاه پاسداران زابل برای رسیدگی به
این مسئله جلسه مشترکی تشکیل دادند، که تا هنگام درج این خبر
از نتیجه آن اطلاعی در دست نیست.

ما امیدواریم که مقامات مسئول زابل، باتوجه به حساس بودن
اوضاع کشور و بویژه توطئه امپریالیسم آمریکا برای به آشوب کشیدن
سیستان و بلوچستان، با اخذ تصمیم عادلانه ای نه تنها این مشکل را
حل کنند، بلکه راه را برای ایجاد تفاهم و جلوگیری از تشنجات
بعدی فراهم سازند و باین ترتیب اجازه ندهند که مسئله ساده ای مانند
فروش یک نشریه به یک مسئله عمومی تبدیل شود، زیرا چنین امری
تنها بسود دشمن اصلی خلق های ما، امپریالیسم آمریکاست.

تصحیح

۱- حقوق کارگر تراشکاری،
ماهنامه ۲۸۵۰ ریال اعلام شده
است، که درست آن ۲۸۵۰۰
ریال است.
۲- ساعت کار کارگران،
«مهریبا» در انتظار فراگیری قانون
نظامی هستند، دو اشتباه چاپی
رخ داده است که بدینوسیله،
درست، تصحیح میشود.

چگونه لیبرال ها، امپریالیسم آمریکا را از زیر ضربه خارج می کنند؟

لیبرالها نیز «سه سه بار به نه بار غلط» کردند که
بدنبال انقلاب آمدند و هم اکنون نیز، همصدا با
ریگان، خواستار روی کار آمدن يك دولت
«معقول و معتدل و میانه رو» در ایران اند، منتهی با
اصطلاحات دیگر، از جمله «معقول، مسلمان و مستقل»!
(مهندس بازرگان، «میزان» ۱۰ اسفند ماه ۵۹)
لیبرالها و نیز عوامل امپریالیسم آمریکا و
رژیم شاه ملعون، در شرایط سالهای پیش از
پیروزی انقلاب و در جریان رشد مبارزات مردم
علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست نشانده اش،
تمام تلاش خود را کردند، تا همانگونه که رژیم
شاه ملعون و امپریالیسم آمریکا میخواهند، خطر
موهوم کمونیسم را بجای خطر واقعی ادامه سیطره
غاصبانه امپریالیسم آمریکا بنشانند، آنها آگاهانه
چنین میکردند. حجت الاسلام محمد منتظری میگوید:
«همین سران نهضت آزادی و جبهه ملی و
یکسری سیاستمداران دیگر... بخيال خودشان
شرایط ذهنی داشتند تا مردم را بفریبند که ای وای،
مارکسیسم دارد می آید به ایران. کمونیست چه
میشود و چه، که مردم را از کمونیسم بترسانند و
متمایل بکنند به امریکا» (کیهان، ۹ اسفندماه ۵۹)
اما توده های مردم، برهبری امام خمینی توطئه
آنها را نقش بر آب کردند و رژیم مغفور سلطنتی
را واژگون ساختند و بر سلطه امپریالیسم آمریکا
بر مین ما ضربه مرگبار وارد کردند.

لیبرالها از این جریان ابتدا «کلافه» شدند،
سپس «شیمان» گشتند و سرانجام - هر قدر توطئه -
های امپریالیسم آمریکا برای ساقط کردن انقلاب
و جمهوری اسلامی ایران شدیدتر و خطرناکتر
شد - با صدای بلندتری فریاد «ای وای مارکسیسم
دارد می آید به ایران» را سر دادند، تا مردم را
«خواب کنند» و «نفت» و «ایران» را به آمریکا
بازگردانند. بیپوده نیست که ساواکیها، طاغوتیها
و «رنجبرها» روز پنجشنبه گذشته از لیبرالها
خواستند که سنکرشان را نگاهدارند، سنکری که
از آن جز دروغ بزرگ «خطر کمونیسم» شلیک
نمی شود.

حجت الاسلام محمد منتظری همچنین گفت:
«کوشش میشود آن حساسیتی که مردم ما
نسبت به امپریالیسم و در راس آن آمریکا دارند،
از بین برود و بطور کلی اقدامات و فعالیت های ضد
امریکائی محو شود».
البته نمی توان کتمان کرد که کوشش لیبرالها
در میتینگ روز پنجشنبه گذشته برای حذف خطر
امپریالیسم آمریکا برای حاضرین ساواکی، طاغوتی
و «رنجبری» بسیار موفق بوده است!
اما اگر نیروهای انقلابی هشیااری خود را
حفظ کنند و مردم را به توطئه های امپریالیسم
آمریکا و لیبرالها و مافوقیستهای امریکائی آشنا
سازند و هدف واقعی شکردهای پیروان خط
پروژنیستی را برملا کنند، این توطئه نیز، همچون
دوران پیش از پیروزی انقلاب، با شکست قطعی
و مقتضحانه مواجه خواهد شد.

در میتینگ ۷ اسفندماه ۵۹ لیبرالها، که
در استادیوم امجدیه و در میان تحسین و شادمانی
ساواکیها، طاغوتیها و مافوقیستهای امریکائی
درنجران و غارتگران بازاری بر گزار شده، يك
سیاست و نقشه معین، که در واقع محور و هدف
اصلی سخنان سخنرانان و پاسخهای تماشاگران را
تشکیل میداد، بابر جستگی خاص، بیچشم میخوردوان،
سکوت در مقابل توطئه های امپریالیسم آمریکا و
تلاش برای منحرف کردن افکار بیجان خط موهوم
بود. که ساواکیها و رنجبرها و طاغوتیها آنرا در
این شعار خلاصه کرده بودند: «مرگ بر توده ای»!
گوئی نمایشنامه «بازرگان سنکرتو نیگرددار»،
که در امجدیه، سه سال پس از نمایشنامه مشابهی
که در همین استادیوم به اجرا درآمده بود، به
روی صحنه می آمد، هدفی جز این نداشت که
امپریالیسم آمریکا را، که هم امروز فرزندان فداکار
مردم انقلابی ایران را بجرم «فانفامی» بدست لشکر
صدام حسین به خاک و خون میکشد، تبرئه کند،
یاد جنایات آنرا با منقاش سکوت از ذهن ها بزداید
و برای پر کردن این «خلأ»، «خطر توده ایها» و
«خطر شوروی» را بجای آنها بنشانند.

تمامی تلاش روزنامه های لیبرالی «میزان» و
«انقلاب اسلامی»، که با پیگیری خط پروژنیستی
را تعقیب می کنند، نیز در همین هدف خلاصه می-
شود. البته این هدف و تلاش فقط امروز نیست،
تلاش برای نجات امپریالیسم جنایتکار آمریکا از
زیر ضربات جنبش انقلابی مردم ایران، راه و روش
دیرینه اینان است.

حجت الاسلام محمد منتظری در همین مورد
می گوید:
«منطق آقای مهندس بازرگان در آن شرایطی
بود (در آن شرایط این بود) که، نمی توانیم هم با
امریکا بچنگیم و هم با کمونیسم و الان کمونیست
و مارکسیست، خیلی خطرناک است و شرایط درست
میشد که آمریکا دیگر مطرح نشود. در سال ۵۴
برای امام بیغما می دادند که امام از آمریکا و
نفت دیگر سخن به میان نیارود، تا امریکائیها مثلا
راضی شوند که چنان بشود» (کیهان، ۹ اسفند
۵۹)

در آن شرایط، چنانکه اکنون واضح شده
است، شاه و ساواک و «میام» و موساد نیز به همین
گونه عمل و تبلیغ میکردند. ساواک در دستورالعمل-
های خود از عواملش میخواست که شایع کنند
«اقدامات مخرب» ظاهرات ... همه و همه زیر
سر کمونیستاست و آنگاه که این شکرده موفق نشد،
مردم را به رگبار گلوله بستند تا «نفت» و «ایران»
را برای آمریکا حفظ کنند؛ در واقع تفاوت میان
لیبرالها و عوامل مستقیم امپریالیسم آمریکا در
عمل چندان زیاد نبود. هر دو گروه میخواستند
«نفت» و «ایران» را برای آمریکا باقی گذارند، هر
دو خواستار آن بودند که «آمریکائیها مطرح نشود».
اختلافات خیلی جزئی بودند و بهین دلیل هم وقتی
«نفت» و «ایران» از چنگ آمریکا بیرون رفت،

یکانهای نیروی...

بقیه از صفحه ۱
کردند و ۱۵ تن از سربازان دشمن
را کشتند و ده خودروی عراقی
را نابود کردند.

در روز دهم اسفند ماه ۵۹ در
جبهه های مختلف نبرد، نیروی
زمینی ۶ تن، نیروی دریایی ۲ تن،
و شهربانی جمهوری اسلامی
ایران یک تن شهید دادند. ضمنا
در این روز تعدادی از نظامیان
ما نیز مجروح شدند.

همچنین دشمن شهر آبادان
را زیر آتش توپخانه و خمپاره-
انداز خود قرار داد و به چند
ساختمان خساراتی وارد کرد.
در عملیات پیروز نیز در جبهه
جنوب ۴ تن از هموطنان عزیز ما
شهید و ۲۱ نفر مجروح شدند.
نیروهای انقلاب در منطقه سنندج
۴ نفر از افراد مسلح غیرقانونی را
دستگیر کردند و ۱۵ قبضه
چنگ افزار انفرادی و مبهجه
مهمات آنان را به غنیمت گرفتند.

واکنش مطبوعات کشورهای منطقه نسبت به

تصمیم دولت انگلستان در باره تقویت نیروهای

«واکنش سریع»

در کشورهای منطقه خلیج فارس،
اطهارات نخست وزیر انگلستان
در مورد آمادگی دولت انگلیس
برای تقویت نیروهای واکنش
سریع در این منطقه، با واکنشهای
انتقادی آمیز روبرو گردیده است.
روزنامه های «الیان»، «الفجر» و
«الخلیج» چاپ اسازرات متحده
عربی، این تصمیم دولت انگلستان
را تلاشی برای احیاء سلطه
استعماری ارزیابی کرده اند.
محافل اجتماعی مترقی و
مطبوعات کشورهای این منطقه،
در ارتباط با اظهارات تاجر نخست
وزیر انگلستان، اعلام میکنند که
خلقیهای این منطقه به دفاع از جانب
دول امپریالیستی نیاز ندارند.

۱۰ میلیون بیکار در اروپای غربی

در سمینار بین المللی، که در
استکهلم پایتخت سوئد برگزار
شد، آئین دابی نیون، عضو کمیسیون
سازمانهای اروپائی، اظهار داشت
که شمار بیکاران در کشورهای
اروپای غربی به ۱۰ میلیون و ۵۰۰
هزار نفر میرسد. وی خاطر نشان
کرد که در حال حاضر، ۸ میلیون
و پانصد هزار نفر از زحمتکشان
در کشورهای اروپای غربی بازار
مشترک بیکار هستند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH
MARDOM

No. 460
5 March 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه
«مردم» و همه مقامات
دولتی و غیر دولتی میتوانند
به آدرس زیر با نامه «مردم»
مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱۴/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران